

کلیات

جرم‌شناسی یا بزه‌شناسی عبارت است از بررسی علمی پدیده مجرمانه؛ این پدیده صرفاً مفهومی جرم شناختی است و به دو صورت محقق می‌گردد یا به صورت فعل یا بطور ترک فعل رفتاری است که از یک انسان اجتماعی به منظور تخطی از اوامر مقنن سر می‌زند و فعل نیز رفتاری است که نهی مقنن را نقض می‌کند. بنابراین آن دسته از رفتارهایی که در منابع حقوق کیفری - - یعنی مقررات جزایی - - دارای حکم خاصی هستند در بحث جرم‌شناسی مورد توجه قرار می‌گیرند و هر انحرافی که در قانون فاقد کیفر و مجازات باشد هر چند نظم عمومی را مختل نماید اصولاً در جرم‌شناسی مورد توجه نمی‌باشد زیرا دارای کیفر نیست.

شایان توجه است در سیاست جنایی، پدیده مجرمانه از دو جهت قابل بررسی است یکی از بعد مجرمانه - - یعنی جرم - - و دیگری از بُعد جامعه‌شناسی - یعنی کژمداری یا انحرافهایی که از حیث اجتماعی دارای پاسخ است اما مشمول حقوق جزا نمی‌باشد. در سیاست جنایی هر دو جهت یعنی برخلاف هنجار اجتماعی رفتار کردن و دور شدن و پشت کردن به قاعده و هنجار اجتماعی وجه اشتراک جرم و کژمداری است ولی وجه افتراق آنها این است که جرم دارای پاسخ اجتماعی است که همان کیفر می‌باشد؛ در حالی که پاسخ انحراف و کژمداری، سرزنش اجتماعی است و بُعد غیر کیفری دارد و در جرم‌شناسی پدیده مجرمانه رفتارهای مثبت و منفی است که ضمانت اجرای کیفری دارد.

جرم‌شناسی علم شناخت پدیده مجرمانه یعنی علل تکوین جرم و خصوصیات چگونگی ارتکاب جرم و دانش شناخت علل و عوامل ارتکاب و ماهیت جرم است. جرم‌شناسی به تنهایی به بررسی علمی جرم می‌پردازد، ولی در آسیب‌شناسی هر گونه عملی که مغایر نظم عمومی باشد بررسی و مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

دوره کارشناسی ارشد

تقریرات درس

جرم‌شناسی

(جرایم سازمان یافته)

استاد: ع.ح. نجفی ابرندآبادی

تهیه و تنظیم

امیرحسین نیازپور

نیم‌سال نخست سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰

شاخه‌های جرم‌شناسی کاربردی

۱. جرم‌شناسی بالینی: شاخه‌ای از جرم‌شناسی است که با تأکید بر اصلاح و درمان بزه‌کار، درصدد جلوگیری از تکرار جرم است.

۲. جرم‌شناسی پیشگیرانه: شاخه‌ای از جرم‌شناسی که درصدد پیشگیری از وقوع جرم است. یعنی اقداماتی غیرکیفری را پیش از ارتکاب بزه اعمال می‌نماید.

۳. جرم‌شناسی انتقادی: شاخه‌ای از جرم‌شناسی است که با به نقد کشیدن نهادهای عدالت کیفری درصدد علت یابی پدیده مجرمانه برمی‌آید.

جوهره اصلی جرم‌شناسی یا آسیب‌شناسی این است که با جرم سر و کار دارد و در بُعد کاربردی به حالت خطرناک نیز توجه می‌کند. البته در آسیب‌شناسی و جامعه‌شناسی انحراف به آن حالت خطرناک نمی‌گویند بلکه از آن به انحراف یاد می‌کنند.

جرم‌شناسی در همه جا یک موضوع را بررسی نمی‌کند، چرا که جرم در مکان و همچنین در بُعد زمان متغیر است؛ مثل شرب خمر در ایران که در حال حاضر جرم است اما قبل از انقلاب جرم بحساب نمی‌آمد و همینطور زنا در حال حاضر در ایران جرم است ولی در برخی کشورها مانند ترکیه عمل مجرمانه‌ای تلقی نمی‌گردد. در اینجاست که بحث جرایم غریزی یا طبیعی پیش می‌آید. از نظر گاروفالو جرم طبیعی دارای دو ویژگی است:

نخست، آن دسته از جرایمی که غریزه شفقت انسان را خدشه‌دار می‌کند؛ مانند قتل که تمامیت جسمانی اشخاص را مورد تعرض قرار می‌دهد.

دوم آن دسته از جرایم که، نیاز یا احساس تقوا و درستکاری را مورد خدشه قرار می‌دهند؛ مانند سرقت و جرایم علیه اموال.

پس جرایمی که علیه تمامیت جسمانی و نیاز مالی و صداقت نسبت به افراد رخ دهد غریزی یا طبیعی هستند.

ویژگی‌های جرم‌شناسی

۱. تنها رشته‌ای است که به علل بررسی ارتکاب جرایم می‌پردازد؛

۲. روش خاص خودش را دارد یعنی استقرایی است؛

۳. نسبت به حقوق جزا رشته‌ای است انتقادی. مثلاً مفاهیمی مانند آزادی مشروط یا تکرار جرم که از دستاوردهای جرم‌شناسی است، به نقد می‌کشد. به عبارت دیگر جرم‌شناسی در مقام تحول حقوق جزا است.

بنابراین اگر بپذیریم حقوق جزا شاخه‌ای از سیاست جنایی است می‌توان گفت که جرم‌شناسی در مقام تغذیه حقوق جزا است. جرم‌شناسی رشته‌ای است مرکب و تعریفی کلی و غیر شخصی از جرم و مصادیق آن ارائه می‌دهد، مثلاً مقنن سرقت را تعریف می‌کند ولی از سارق تعریفی مطرح نمی‌نماید. اما بررسی همه جانبه سارق در جرم‌شناسی صورت می‌پذیرد.

حقوق جزا باید‌ها و نبایدها را بیان می‌کند و با تعیین مجازات امیدوار است کسی مرتکب جرم نشود و به دنبال ایجاد مدینه فاضله است. بنابراین حقوق کیفری، ملاک ارزشهای اساسی یک جامعه است؛ یعنی قانون جزا قانون ارزشهای معمول و مورد حمایت جامعه است. اما جرم‌شناسی صرفنظر از تصورات قانونگذار، جرم و مصادیق قانون را آنطور که در عمل تحقق می‌یابد بررسی می‌کند. در حقوق جزا صحبت از سرقت است اما در جرم‌شناسی هدف، مرتکب سرقت است زیرا هر جرمی انگیزه، عنصر و شرایط ویژه خود را داراست و هر کدام از اینها نیز بحث خاص خود را می‌طلبند اما وجه اشتراکشان جرم است. بنابراین جرم‌شناسی نقض ارزشهای اساسی را که قانون بیان کرده است بررسی می‌نماید.

گفتنی است حقوق جزا بازوی مسلح نظام حقوقی در هر کشور محسوب می‌شود. البته سایر رشته‌ها نیز دارای ضمانت اجرا می‌باشند اما بعد قهرآمیز ندارند؛ مثلاً در حقوق اداری انفصال یا اخراج وجود دارد اما این ضمانت اجراها مجازات نیست.

جرم‌شناسی ۸۹۷

ضمانت اجرای مدنی نیز مثلاً در مورد اعتیاد، حق حضانت والدین معتاد را ساقط می‌کند یا تقاضای طلاق را از سوی زن به دلیل اعتیاد همسرش به دنبال دارد؛ ولی برخی ضمانت‌اجراهای معمول در سایر رشته‌ها در حقوق جزا نیز ملاحظه می‌گردد؛ مانند جریمه که هم کیفر است و هم نوعی غرامت تلقی می‌شود. پس حقوق جزا در مقام حمایت از مهمترین ارزش‌ها جرم‌انگاری می‌کند و بقیه موارد - یعنی ارزش‌هایی که از اهمیت کمتری برخوردارند - را به اخلاق، جامعه و نهادهای جامعه‌ی واگذار می‌کند، مانند انجمن‌های حامی محیط زیست یا خانواده‌ها.

جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی، شاخه‌ی انتقادی جرم‌شناسی محسوب می‌شوند که نهادهای عدالت کیفری را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند. می‌توان گفت نود درصد جرایم، آفریده‌ی ذهن قانونگذار است که از طریق طرح یا لایحه دولت با تصویب مجلس مورد جرم‌انگاری قرار می‌گیرند. ولی باید توجه داشت که عمل مجرمانه همیشه از نظر اخلاق عمومی و اجتماعی قبیح نیست (مانند نگهداری ماهواره).

قبل از سال ۱۳۷۳ داشتن ماهواره جرم نبود اما در سال ۱۳۷۳ نمایندگان، طرحی مبنی بر جرم بودن استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای تصویب کردند. این پدیده فی حد ذاته جرم نبود بلکه به صورت مقطعی جرم‌انگاری شد زیرا قانونگذار در مقام حفظ فرهنگ اسلامی در قبال فرهنگ غربی بوده است؛ پس بسیاری از جرایمی که در حقوق جزا وجود دارد شامل فعل یا ترک فعل‌هایی می‌شود که به صورت مقطعی و مناسبت‌های سیاسی - فرهنگی - اجتماعی وصف مجرمانه می‌گیرند و این وصف را قانونگذار به آنها می‌دهد.

در ایران خرید و فروش ارز، خارج از عملیات بانکی آزاد بود و در سال ۱۳۷۳ در چارچوب تعزیرات حکومتی این عملیات جرم را دانسته‌اند. این پدیده نیز فی نفسه جرم نبود و مقنن برای حفظ نظم اقتصادی با پیشنهاد دولت این عمل را جرم

۸۹۸ مباحثی در علوم جنایی

شناخت. پس ایجاد جرم معاملات ارزی مقطعی است و برای رویارویی با وضع موجود اقتصادی در آن دوره و زمان صورت پذیرفته است.

همچنین جیره‌بندی و کوپنی کردن وسایل ضروری و مایحتاج زندگی به هنگام جنگ موجب شد جرایمی مانند خرید و فروش و جعل کوپن توسط مقنن وضع گردد زیرا این اقدامات مجرمانه در دوران جنگ به نظام اقتصادی ضربه می‌زد.

بدین ترتیب بسیاری از جرایم را قانونگذار تعیین می‌کند که این جرایم همزمان دارای قبح اجتماعی نیست. لذا در قانون جزا جرایمی وجود دارند که مرده تلقی می‌شوند و به صورت مقطعی مطرح می‌گردند و مناسبت اجرا را نداشته‌اند و عملاً تعقیب آن جرایم در عمل منتفی است.

مثلاً خیلی‌ها ماهواره دارند، ولی افراد به ندرت گزارش می‌دهند، در حالی که در سرقت بلافاصله اطلاع می‌دهند. جرم‌شناسی نسبت به وضع جرایم و جرم‌انگاری انتقاد دارند چرا که تورم جرایم به اصل جهل به قانون رافع مسئولیت نیست لطمه وارد می‌کند، چون قاضی و دیگر افراد تابع قانون ظرفیت محدودی از حیث ذهنی دارند و هر چه جرایم زیاد شوند در جرایم مهم و اصلی توفیق کمتری می‌یابیم. بنابراین باید مقابله با جرایم کم اهمیت را به جامعه محول کنیم. وظیفه جرم‌شناسی توصیف و طبقه‌بندی جرم است، ماهیت جرم را در عمل تبیین می‌کند و به تعداد جرایم امکان دارد تحلیل داشته باشیم و به همین علت در جرم‌شناسی مکاتب زیادی وجود دارد، زیرا جرم فعل یا ترک فعل انسانی اجتماعی است. انسان نیز دارای شخصیتی خاص است و خصوصیات ذاتی و اکتسابی دارد. بنابراین امکان دارد پژوهکاران شباهتی به هم نداشته باشند. به تعداد رویکردها و گرایش‌ها در جرم‌شناسی مکتب وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از زیست‌شناسی جنایی، جامعه‌شناسی جنایی، روان‌شناسی جنایی، روان پزشکی جنایی و

جرم‌شناسی ۸۹۹

به علت تنوع مجرمان و ویژگی‌های هر مجرم، و تنوع رویکردهای مطالعاتی نسبت به هر جرم مکتب یا آموزه وجود دارد. اما در درون هر یک از این جرم‌شناسی‌های اختصاصی آموزه‌ها و رویکردهای خاصی وجود دارد، مثلاً از یکسو تأثیر علل محیطی در جامعه بررسی می‌گردد؛ به عنوان مثال فقر و طلاق و از سوی دیگر تأثیر نظام سیاسی، رژیم سیاسی، رفتار حکام بر افزایش جرم تحلیل و بررسی می‌شود. در تاریخ جرم‌شناسی اصولاً می‌توان به سه مرحله اشاره کرد. تولد جرم‌شناسی در سال ۱۸۷۶، مصادف با انتشار کتاب انسان بزهکار سزار لمبروزو صورت گرفته است. جرم‌شناسی اصولاً دارای سه گرایش عمده است.

گرایشهای جرم‌شناسی

۱. گرایش انسان‌شناسی جنایی

گرایشی که جرم‌شناسی با آن متولد شد؛ یعنی مرکز ثقل آن، بررسی مرتکب جرم بود نه خود جرم و جرم‌شناسی علمی با بررسی انسان و مجرم آغاز شد و انسان را از حیث جسمانی و روانی مورد بررسی قرار دادند.

۲. جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی

گرایشی که بیشتر ریشه جامعه‌شناسی جنایی دارد. واکنش اجتماعی برای ما به معنای مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی است، اما جرم‌شناسی واکنش اجتماعی خیلی وسیع‌تر است و شامل بررسی انتقادی فرایند قانونگذاری کیفری، فرایند تعقیب کیفری مجرم و فرایند اجرای محکومیت‌های کیفری می‌شود. پس طیف وسیعی را در بردارد و در آن، جرم‌انگاری و تعقیب کیفری و سپس عملکرد دستگاه قضایی و دادگستری بررسی می‌شود؛ یعنی تأثیر آن بر مجرم و ارتکاب جرم. همچنین شامل

۹۰۰ مباحثی در علوم جنایی

اجرای مجازات است که چگونگی اجرای کیفر و سوق دادن مجرم به ارتکاب جرم است.

بنابراین در مرحله نخست از تحولات جرم‌شناسی، مجرم ملاک بود؛ یعنی مجرم و محیط پیرامونش مورد بررسی قرار می‌گرفت و در مرحله بعد نهادها و تأسیسات کنترل جرم -- به عنوان مانع مجرمان -- مدنظر بود که چگونه ممکن است به عنوان عامل منفی و جرم‌زا عمل کنند. پس در اولین مرحله فرض بر این بود که نهادهایی مثل پلیس خوب‌اند اما مشکل در فرد، تربیت خانوادگی و مدرسه است که موجبات ارتکاب بزه را فراهم می‌آورد، اما در دومین مرحله نهادهایی مثل پلیس، قانونگذار و غیره می‌توانند به ارتکاب جرم دامن بزنند و موجبات ارتکاب جرم را فراهم کنند. بنابراین تعامل یا کنش متقابل بین فرد با پلیس، زندان و قانونگذار و دستگاه قضایی بررسی می‌شود (جرم‌شناسی تعامل‌گرا یا انتقادی).

۳. جرم‌شناسی عمل مجرمانه

شاخه جدیدی از جرم‌شناسی که در ۲۰ سال اخیر مطرح شده است و به موجب آن جرم‌شناس بدون توجه به مرتکب، تأثیرات منفی دستگاه‌های کنترل‌کننده و کنترل اجتماعی، جرم را مطالعه می‌کند و براساس میزان شدت و وخامت مسأله را بررسی می‌کند. معیار اصلی عمل مجرمانه (عملی که از انسان ظاهر شده) قانون کیفری است و هر اندازه کیفر شدیدتر باشد این گرایش مجرم را خطرناک‌تر می‌داند و معتقد است که مجازات شدیدتری باید بر او اعمال گردد. در اینجا بر خلاف دو گرایش قبلی که ملاکش انسان بود معیار اصلی نخست، عمل و بعد فرد و سپس مجازات‌ها است. این جرم‌شناسی با این پیش فرض به وجود آمد که گرایش‌های قبلی با شکست مواجه شده‌اند و موفق به حل معمای جرم نشده‌اند؛ زیرا انسان موجودی پیچیده است و از طرف دیگر امکان ارایه راه‌حل به تعداد مجرمان وجود ندارد؛ به همین دلیل طرفداران

جرم‌شناسی ۹۰۱

آن معتقدند میزان بزه افزایش یافته است چون در پرتو دو مورد اول از صلابت حقوق جزا کاسته و زندان به درمانگاه مبدل شده است، اما گرایش اخیر اعتقاد دارد که ناتوانی حقوق جزا به دلیل عدم حتمیت و قطعیت مجازات است بنابراین معتقد است. که عمل مجرمانه ملاک خوبی برای پاسخ دهی است.^۱

شاخه‌های جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی

۱. تعامل گرایی یا برچسب زنی یا جرم‌شناسی کنش متقابل

۲. جرم‌شناسی سازمانی

این شاخه به بررسی سرمایه‌گذاری‌ها و امکانات اجتماعی که برای مهار جرم اختصاص داده شده است از طریق مطالعه بیلان و بازده این سرمایه‌گذاری می‌پردازد. به عبارت دیگر می‌خواهیم بازده سرمایه‌گذاری در زمینه کنترل را بررسی و هزینه اجرای مجازات را تحلیل کنیم.

۳. جرم‌شناسی رادیکال (انتقادی)

رویکرد انقلابی و انتقادی حقوق جزا است که اعتقاد دارد تعریف جرم مشکل‌زا است؛ یعنی تعریف جرم مشکلی را حل نمی‌کند بلکه جرم فعل یا ترک فعلی است که حقوق اساسی مدنی و سیاسی شناخته شده افراد از لحاظ سیاسی را نقض می‌کند. این رویکرد می‌خواهد از این طریق جرایم استثمار جنسی و برده‌داری جنسی را در

۱. برای آگاهی بیشتر از این گرایش‌ها، ک. مقاله دکتر حسین غلامی و علی حسین نجفی ابرندآبای، نظریه مجازات‌های استحقاقی و تکرار جرم، فصلنامه مدرس، شماره سوم، زمستان ۱۳۷۸، صص

۹۰۲ مباحثی در علوم جنایی

جرم‌شناسی مورد بررسی قرار دهد زیرا در غیر اینصورت مجرمان یقه سفید و متنغد و صاحب قدرت از مطالعه ما خارج می‌شوند.

۴. بزه دیده شناسی

به بررسی شخصیت، رفتار و خصوصیات بزه دیده - - یعنی متضرر مستقیم از جرم - - به منظور برآورد سهم او در وقوع جرم می‌پردازد؛ زیرا شاکی در خیلی از جرایم ابتکار تعقیب کیفری را به عهده دارد و با توجه به اینکه در خیلی از بزه‌ها تعقیب جرم، میزان شدت مجازات، از نظر شاکی پیروی می‌کند؛ بنابراین او است که رفتار دادگاه نسبت به مجرم را شکل می‌دهد و در واکنش علیه جرم نقش دارد.^۱

بزه دیده شناسی به عنوان شاخه‌ای از جرم‌شناسی قلمداد شده است، اما باید نقش آن را در تکوین جرم به عنوان علمی مستقل بررسی کرد.

در برخی جرایم بزه دیده مستقیم وجود ندارد. بزه دیده ممکن است در برخی جرایم، اخلاق، جامعه، یا سلامت عمومی باشد؛ مانند ولگردی، تکدی یا اعتیاد. همچنین در برخی از جرایم هر دو طرف جرم در آن شرکت دارند؛ یعنی هر دو مجرم‌اند مانند لواط، زنا و سحاق.

پس وقتی ما از سه گرایش مهم در جرم‌شناسی سخن می‌گوییم ملاحظه می‌کنیم که در گرایش اول، انسان و در گرایش دوم، بررسی عملکرد نهادهایی که مسئول پیشگیری از جرم هستند (یعنی نهادهایی که خود به ارتکاب جرم دامن می‌زنند) و در گرایش سوم از جرم‌شناسی عمل یا فعل مجرمانه سخن به میان می‌آید. در جرم‌شناسی اخیر جرم یا فعل مجرمانه نه آنطوری که در قانون آمده بلکه آنطور که واقع شده است و بدون توجه به شخصیت مرتکب مدنظر است. در کنار این تحولات در حقوق

۱. برای آگاهی بیشتر از نقش بزه‌دیده در فرایند عدالت کیفری بنگرید به رایجیان اصلی (مهرداد)،

جرم‌شناسی ۹۰۳

جزا هم تحولاتی رخ داده است (مجازات‌های استحقاقی). پس مرحله سوم برگشتی است به سوی عقاید بکاریا و بنتام؛ یعنی فقط فعل مجرمانه مدنظر است و قضات بدون توجه به شخصیت مجرم به تعیین کیفر مبادرت می‌ورزند.^۱

برخی از جرایم قبلاً انحراف بوده‌اند، اما در حال حاضر بزه محسوب می‌شوند، مانند اعتیاد که برای این دسته جرایم مجازات یا اقدام تأمینی در نظر گرفته شده است. لازم به ذکر است که اگر مجرمیت بزهکار محرز باشد پاسخ قانونگذار در قالب مجازات و اگر حالت خطرناک مطرح باشد در قالب اقدامات تأمینی و تربیتی ظاهر می‌شود.

حالت خطرناک چیست؟ رفتار یا حالتی که نوید ارتکاب جرم در آینده را می‌دهد؛ بدون اینکه آن حالت جرم باشد. به همین خاطر اقدامات تأمینی و تربیتی نسبت به چنین افرادی اعمال می‌گردد.

در ایران ماده یک قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ مجرم خطرناک تعریف شده است. وی کسی است که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی و کیفیت ارتکاب و جرم ارتکابی، او را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار می‌دهد. به بیان دیگر مجرم خطرناک کسی است که حالات و خصوصیات اخلاقی، او را طوری جلوه می‌دهد که هر لحظه امکان ارتکاب بزه از سوی وی می‌رود. در مورد ماده (۱) قانون اقدامات تأمینی و تربیتی وجود دارد:

تفسیر اول، این ماده را اول ناظر به مجرمانی می‌داند که مرتکب جرم شده‌اند و مجازات آنها نیز اجرا شده است ولی مجدداً به تکرار جرم مبادرت ورزیده‌اند؛ یعنی دارای حالت خطرناک‌اند.

۹۰۴ مباحثی در علوم جنایی

در تفسیر دوم، مجرم خطرناک کسی است که مرتکب جرم شده است و در دادگاه حضور دارد و قاضی با توجه به جرمی که واقع شده است و با عنایت به اخلاق و نحوه ارتکاب و رابطه مجرم با بزه دیده تصمیم می‌گیرد که در کنار مجازات، اقدامات تأمینی و تربیتی را اعمال کند. پس در ایران اقدامات تأمینی و تربیتی از اصل قانونمندی پیروی می‌کند، یعنی اقدامات مذکور به هیچ وجه قبل از وقوع جرم قابلیت اعمال را ندارد، زیرا در ایران حالت خطرناک وجود ندارد بلکه بحث از مجرم خطرناک است.

معیار و تعرفه اجرای کیفر برای قاضی عناصر عمومی و اختصاصی است و حکم قانون مجازات‌های ثابت باید اجرا شود. مجازات‌های ثابت آن دسته از مجازات‌هایی هستند که در قانون مقرر است و باید به صورت حتمی اجرا شود و لذا قاضی حق ندارد در این مورد و به منظور فردی کردن مجازات مداخله نماید. از سوی دیگر مطالعه فعل مجرمانه و عدم توجه به شخصیت مجرم و روی آوردن به مجازات در قبال جرم نیز به این معنا است که مکاتب قبلی که به دنبال درمان و اصلاح بوده‌اند متحمل شکست شده‌اند و برای مهار جرم اکنون باید به سیستم مجازات‌ها روی آورد و به دنبال حاکم نمودن صلاحیت حقوق جزا بود و جنبه سزادهی را اجرا کرد و از این زاویه و با این نگرش، فردی کردن کیفر را رها کرد و کیفرهای بایسته و استحقاقی را به عنوان مجازات و سزا به اجرا گذاشت (مجازات‌های استحقاقی).

مجرمان به استثنای صغار، آگاه و محاسبه‌گر هستند. یعنی مجرم عملی را مرتکب می‌شود که به آن آگاه است و قاضی باید پاسخ چنین خطایی را بدون ارفاق بدهد. پس انسان مجرم در گرایش سوم فردی آگاه و سالم و محاسبه‌گر است زیرا با درک صحیح به جای کار مشروع، جرم را برگزیده است؛ لازم به توضیح است که انگیزه فرد هیچ ارزشی ندارد اما در تفکر لمبروزو مجرم فردی بود که با سایر انسانها فرق داشت و بنابراین با او به عنوان یک انسان دیگر و متفاوت برخورد می‌شد. او را

۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک به: حسین غلامی، تکرار جرم حقوق جزا و جرم‌شناسی،

جرم‌شناسی ۹۰۵

بیمار تلقی می‌نمودند و به همین دلیل لمبروزو ۲ دسته از مجرمین را شناسایی نمود که مجرمین مادرزاد و اتفاقی بودند و بعد از او فری طبقه بندی را به ۵ دسته ارتقا داد و برای هر کدام از آنها پاسخی مجزا در نظر گرفته بود. اما در فرض جرم‌شناسی عمل مجرمانه (گرایش سوم) مجرم فردی محاسبه‌گر و سالم است که مستحق مجازات می‌باشد.

در گرایش نخست، بزهکار فرد و انسانی مانند دیگران است که در دوران تکامل خود در یک مرحله متوقف شده است و با اعتقاد به جبرپنداری، مسئولیت اخلاق بزهکار را نفی می‌کند و او را فاقد مسوولیت می‌شمارد. چرا که قصد مجرمانه ندارد و جامعه هم باید از وجود او مصون بماند^۱. در مرحله دوم نهادهایی که مانعی بر سر راه ارتکاب بزه بودند عکس‌العمل‌ها و واکنش‌ها را عملی و عامل جرم‌زا می‌دانستند چرا که اعتقاد داشتند مجازات و نهادهایی که درصدد به کیفر رساندن بزهکار هستند - - یعنی واکنش‌های اجتماعی - - جرم را تولید می‌کنند. اما در مرحله سوم بزه یا جرم که هدف قانونگذار است بدون توجه به تأثیر منفی‌ای است که مجازات ممکن است دارا باشد. همچنین محاسبه‌گر بودن مجرم ملاک و مدنظر است چرا که بهترین راه‌حل از نظر جرم‌شناسی عمل مجرمانه، مجازات است؛ یعنی عدالت کیفری باید سزادهنده باشد. بنابراین طرفداران این جرم‌شناسی عقیده دارند که اعاده اعتبار سزادهی حقوق جزا و بازگشت به مکتب کلاسیک، بازگشت به حلقه مفقودی است که در مجازات وجود دارد و نیز عقیده دارند تضعیف حقوق کیفری به خاطر ورود بحث‌های روانپزشکی و جامعه‌شناختی است در حالی که باید حتمیت و قطعیت را در کیفرها به کار بست.

۱. به همین جهت، مکتب تحقیقی با اعتقاد به مکانیزم طرد مجرم از جامعه، طرفدار مجازاتهای طردکننده همچون اعدام و تبعید بود.

۹۰۶ مباحثی در علوم جنایی

اکنون می‌توان پرسید که آیا جرم‌شناسی عمل مجرمانه به تشدید کیفر نیز نظر دارد؟ در پاسخ باید گفت طرفداران جرم‌شناسی عمل مجرمانه منکر کرامت انسانی نیستند؛ به بیان دیگر مجازات باید اعمال شود اما نباید با انسانیت بزهکار مغایرتی داشته باشد، به طوری که مجازات مانعی برای بهبود دوباره او نباشد؛ یعنی شدت‌گرایی به معنای موافقت با کیفر اعدام یا مجازات‌هایی از این قبیل نیست بلکه به دنبال قطعیت یا حتمیت مجازات است ولی شدت به معنای تشدید نوع کیفر نیست بلکه به دنبال حذف اختیارات وسیع قضات در تعیین کیفر است، زیرا هدف، اجرای حتمی مجازات در کنار رعایت حقوق متهم است و اقدامات ارفاقی مانند تعلیق، آزادی مشروط باید حذف شوند و بنابراین قانونگذار باید یک مطالعه قبلی مجازات مقرر کند.

امروزه تدوین کنندگان قانون به دنبال این هستند که بدانند مرتکبان جرم معمولاً شامل چه کسانی می‌شوند. مثلاً در فلان جرم نوعاً چه طبقه از جامعه و چه بخشی از آنها مرتکب جرم می‌گردند. پس در اینجا مجازات‌هایی را تعیین می‌کنند که با جرم واقع شده متناسب باشد. به عنوان نمونه در آلمان برای بزه‌های زیست محیطی مجازات‌های اداری مشخص می‌کنند؛ مثلاً ضبط پروانه با ممنوعیت از شکار جایگزین حبس شده است، زیرا پاسخ مناسبی به نظر می‌رسد. اما در ایران خصوصاً در تعزیرات متأسفانه هیچ تناسبی بین جرم ارتكابی و کیفر مقرر وجود ندارد.

جامعه‌پذیری یعنی چه؟ فرآیند جامعه‌پذیری یعنی ساز و کارها و نهادهایی که یک فرد را اجتماعی می‌کنند و او را با نهادهای اجتماعی آشنا می‌سازند و او را قانونمند می‌نمایند؛ مانند محیط‌های مذهبی، مدرسه، خانواده و حتی محیط کار. پس این فرآیند ممکن است تا ۲۵ سالگی که اوج آن است ادامه یابد.

در ایران نهادهایی که در جامعه‌پذیری نقش دارند وظایف خود را به خوبی انجام نمی‌دهند. بنابراین روی آوردن به حاشیه جامعه باعث می‌شود که مشتریان دستگاه

جرم‌شناسی ۹۰۷

قضایی زیاد شوند و در نتیجه دستگاه قضایی و پلیس به دلیل تورم کیفری، کارآیی خود را از دست بدهند و قانونگذار تصور می‌کند که این امر ناشی از تساهل و تسامح پلیس است یا اینکه میزان مجازات کم است و بنابراین مجازاتها را تشدید می‌کند، اما مشکل از جای دیگر یا دستگاه قضایی است.

اصولاً در دیدگاه‌های مقابله با جرم دو نوع برخورد وجود دارد. یکی مقابله یا پیشگیری کیفری است یعنی شدت عمل کیفری یا افزایش مجازاتها و به عبارت دیگر بالا بردن هزینه کیفری جرم است؛ مثلاً مجازاتها را تشدید می‌کنند یا قرارهای تأمینی را لحاظ می‌کنند. در قانون حمورابی یا در اسلام (در حدود) تشدید کیفر صورت گرفته است زیرا شارع عقیده دارد که شدت کیفر فی حد ذاته باز دارنده است و بالا بردن و شدت مجازات موجب بازدارندگی می‌شود. بنابراین در این دیدگاه کلاسیک فرض بر این است که شدت کیفر برای عدم تکرار کفایت می‌کند زیرا هدف شارع این است که تا جایی که امکان دارد مجازاتها اعمال نشوند چون ذهنیت شارع این است که عده کثیری را از ارتکاب جرم منصرف نماید.

با توجه به اینکه حدود جنبه امضایی داشتند اصولاً در آن دوران بر شدت کیفر تأکید می‌شد، زیرا شدت کیفر حالت بازدارندگی دارد؛ یعنی هدف شارع برای تهدید و بازدارندگی از تشدید کیفر بهره می‌گرفت، پس شدت مجازات و شدت عمل ملاک بود.

مکانیزم دیگر، پیشگیری غیر کیفری است، یعنی نهادهای اجتماعی که در جامعه‌پذیری نقش دارند ایفای وظیفه می‌کنند و در این مقطع است که نظام کیفری به مطلوبیت می‌رسد و اگر این نهادها ایفای وظیفه نکنند شدت کیفر در دستور کار قانونگذار قرار می‌گیرد.

حقوق جزا آرمان‌گرا است و قوانین وضع می‌کند تا اجرا نشوند؛ یعنی تهدید افراد موجب می‌گردد که اشخاص مرتکب بزه نشوند و فرض بر این است که اعمال مزبور

۹۰۸ مباحثی در علوم جنایی

واقع نشود و قانون هم فرض را بر این می‌گذارد که جرمی تحقق نیابد و به دنبال آرمان‌گرایی است چرا که مجازاتها حتی جریمه نقدی سنگین است. (بازدارندگی عمومی).

جرم را اگر به یک نمایش تشبیه کنیم بازیگران گوناگونی دارد و اشخاص چندی در زمانهای مختلف یا در یک زمان واحد باید مداخله نمایند تا بزه واقع گردد: اول بزه‌کار و بعد بزه دیده. برای وقوع جرم، وجود مجرم و بزه دیده اصولاً لازم است ولی برخی جرایم دارای بزه دیده مستقیم نیستند به عنوان مثال در اعتیاد بزه دیده‌ای مشاهده نمی‌گردد بلکه بزه دیده اعتباری، سلامت عمومی و جامعه است؛ یا در زنا هر دو طرف مجرم‌اند که در این مورد نیز بزه دیده، اعتباری است.

اکنون می‌توان پرسید که آیا سه‌گرایش مطرح شده در طول یکدیگر قرار دارند؟ پاسخ منفی است زیرا درست است که جنبه غالب با گرایش سوم است اما گرایش‌های دیگری نیز وجود دارند؛ مثلاً در کانادا یا آمریکای لاتین و بعضی کشورهای دیگر جرم‌شناسی شخصیت مجرم مطرح است، یا هم‌اکنون در ایتالیا جرم‌شناسی بالینی به عنوان یک رشته خاص در دانشکده پزشکی تدریس می‌شود. پس جرم حاصل فعل و انفعالات و نتیجه ساز و کارهای مختلفی است که همزمان یا در زمانهای متفاوت دخالت می‌کنند. بزه‌کار با توجه به وجود مجنی علیه و نهادهایی که درصدد افشای جرم‌اند جرم را مرتکب شده است چرا که مطلع بوده اگر مرتکب بزه شود از یکسو با مقاومت بزه دیده و از طرف دیگر با مداخله پلیس یا دستگاه قضایی یا حتی با موانع بالقوه دیگر که بر سر راهش قرار دارد، مواجه خواهد شد. پس با اطلاع از این موارد به وقوع جرم دست می‌زند و بنابراین جرم محصول یک محاسبه است. با این وجود اگر افراد و نهادهای موجود در جامعه به خوبی وظیفه خود را انجام دهند فرایند جنایی و جرم مختل می‌شود. مثلاً اگر بزه دیده خود را مصون کند و خود را برای بزه دیده شدن آماده نکند هیچ‌گاه آماج جرم قرار

جرم‌شناسی ۹۰۹

نمی‌گیرد. فرضاً اگر زنی طلای خود را نشان دهد او بیشتر از سایرین در معرض ارتکاب جرم قرار می‌گیرد یا از طرفی اگر نهاد خانواده کارکرد خود را به خوبی انجام دهد جوان دیگر دچار محرومیت‌های عاطفی نمی‌شود و در دوران جوانی کمبودی احساس نمی‌کند و به دنبال انحراف و کژمداری نمی‌رود. چه بسا که انحراف یا کژمداری پیام اعتراضی به جامعه باشد، چه سرقت‌هایی رخ می‌دهند که اعتراض به جامعه هستند و ریشه در سوء کارکرد نهادهای ذیربط در جامعه‌پذیری فرد دارد؛ یا اگر زندان کارکرد قهرآمیز خود را به خوبی انجام دهد دیگر مشکلی نیست زیرا اگر برنامه‌های اصلاحی اجرا شود یا فرهنگ زندان به درستی پیاده شود مانع ارتکاب جرم می‌شود. پس اگر این نهادها به خوبی انجام وظیفه کنند دیگر جرمی رخ نمی‌دهد، زیرا در هر جرمی چهار عامل و کنش وجود دارد که نقش مؤثری دارند و کل این دیدگاهها در این سه فرض ملحوظ است.

در بحث جرم‌شناسی عمل مجرمانه بیشتر روی بزه دیده و عوامل و نهادهای کنترل اجتماعی جرم تکیه می‌گردد چون پیش فرض این است که مجرم، محاسبه‌گر و سالم است لذا در معادله جرم یک معیار اساسی محرز است و آن رفتار بزه دیده جرم و آماج جرم است بنابراین هدف بزه دگرگون می‌شود یا به عبارتی دیگر در پیشگیری وضعی خلاصه می‌شود.

پیشگیری وضعی

اگر اتومبیل دارای دزدگیر باشد یا بانکها نگهبان داشته باشند کمتر مورد دستبرد و سرقت قرار می‌گیرند اما در جاهایی که اصلاً نگهبان وجود ندارد یا اقدامات لازم پیشگیری به خوبی انجام نشود یا در محیط تاریک، جرم بهتر و راحت‌تر ارتکاب می‌یابد.

۹۱۰ مباحثی در علوم جنایی

اما این پیشگیری در جرایم غیر عمدی، اتفاقی یا ناگهانی کارآیی ندارد، مثلاً در تصادف دو خودرو که به قتل منتهی می‌گردد این پیشگیری مؤثر نیست، اما برعکس در قتل‌هایی که مبتنی بر رابطه دوستی و همکاری است پیشگیری وضعی صورت می‌گیرد. در جرایمی که مبتنی بر رابطه بین بزه‌کار و بزه دیده است این پیشگیری خیلی مؤثر است پس هر قدر مصون و مجهز به ایمنی باشد ارتکاب بزه در اینجا به ندرت رخ می‌دهد. در این حالات جرم به کلی از بین نمی‌رود بلکه جابجایی در جرم به وجود می‌آید مثلاً اگر خودرویی مجهز به دزدگیر باشد به سراغ خودروی بدون دزدگیر می‌روند و لذا جرم زایل نمی‌شود.

می‌توان پرسید آیا ایراد نظریه مذکور در جرایم غیر عمدی کاربردی دارد؟ در پاسخ باید گفت نظریه جرم‌شناسی عمل مجرمانه جامع نیست و نمی‌تواند جایگزین رویکردهای موجود در جرم‌شناسی باشد به همین دلیل برخی از اشکال جرم قابل توجه است که یکی از آنها جرم سازمان یافته است.

وانگهی اگر بپذیریم که در بین مجرمان بعضی‌ها مرتکب تکرار جرم می‌شوند می‌توانیم بگوییم که این قبیل بزه‌کاران از ارتکاب جرم منصرف نشده‌اند. پس علت را باید در جای دیگر جستجو کرد که به آنها مجرمان مزمن حرفه‌ای یا به عادت می‌گویند.

در نتیجه، باید دوران طفولیت این افراد مورد بررسی قرار گیرد و اینجاست که بررسی وضعیت بزهکاری اطفال شروع می‌شود. اکنون پرسش این است که آیا می‌توان با مداخله در روند این دوران، از ارتکاب جرم جلوگیری کرد؟ زیرا مطالعات جرم‌شناسی نشان داده است که بزهکاران مزمن افرادی هستند که نخستین جرم را در دوران طفولیت در سن کمتر از سن متعارف ارتکاب جرم مرتکب شده‌اند. به عنوان مثال اگر سن متعارف ۷ سال است فرد در سن ۵ سالگی چنین جرمی را مرتکب می‌گردد؛ یعنی این افراد دچار زودرسی مجرمانه شده‌اند. به این ترتیب جرم‌شناسان

جرم‌شناسی ۹۱۱

نتیجه گرفته‌اند که این زودرسی و پافشاری در جرم بین دوران طفولیت مجرمانه و بزرگسالی بزهکارانه است.

در مورد پیشگیری وضعی باید گفت که قسمت عمده‌اش در بزه دیده شناسی است که اعتقاد دارد برخی جرایم به دلیل رفتار بزه دیده بوده است لذا بزه دیده همیشه بی‌گناه نیست زیرا در وقوع جرم گاهی اوقات نقش داشته است که این‌که در جرایم جسمانی مواردی است که بزه دیده خودش آغاز کننده بوده است که در اواسط نتوانسته آن را کاملاً اجرا نماید با این وجود وقتی آماج در ارتکاب جرم یا مداخله او به نحوی مؤثر است با اقداماتی مؤثر می‌توانیم تا اندازه‌ای از وقوع جرم پیشگیری کنیم که به جابجایی جرم منتهی می‌گردد.

در تخریب خاک سفید که محل بزهکاری بوده است با تخریب جرم نوعی پیشگیری جرم بطور وضعی صورت می‌گیرد اما جابجایی جرم محرز است زیرا پراکندگی بین آنها صورت می‌گیرد و به طور قطعی جرم از بین نمی‌رود. اما پرسش این است که آیا قبل از تخریب این هزینه‌ها بررسی شده است یا خیر؟

در این پیشگیری فرض بر این است که مجرم، فردی محاسبه‌گر است زیرا ممکن است یقه سفیدها مرتکب این جرم شوند اما عموم مجرمان از قشر فقیر و ضعیف هستند آیا می‌توان گفت که آنها همه آگاه‌اند؟

ویژگی حیات مجرمانه یا حرفه مجرمانه

اصولاً حیات مجرمانه یا حرفه مجرمانه سه ویژگی دارد:

۱. مشارکت در جرم؛

۲. معیار فراوانی یا کثرت در جرم؛

۳. مدت مربوط به جرم؛

۹۱۲ مباحثی در علوم جنایی

۱. مشارکت در جرم

مطالعات جرم‌شناسی نشان می‌دهد که در ادوار سنی، در پایان دوره نوجوانی یعنی ۱۶ و ۱۷ سالگی است که جرم به اوج خودش می‌رسد و اینکه خانواده‌هایی که دچار مشکل هستند بیشتر زمینه شرکت در جرم را برای اعضای خود مزاحم می‌کنند.

۲. معیار فراوانی یا کثرت در جرم

متوسط تعداد جرایم ارتكابی یک مجرم در سال را گویند. بدیهی است هدف، مجرم آزاد است او کسی است که در شرایط عادی قرار دارد و سال یا سالهایی که شخص در حبس به سر می‌برده است را در بر نمی‌گیرد.

۳. مدت مربوط به جرم

زمان بین نخستین جرم و آخرین جرمی که در یک دوره معین فرد مرتکب می‌شود در حیات مجرمانه او بررسی می‌گردد. فردی که برای بار اول مرتکب جرمی می‌شود از دو حالت خارج نیست یا اینکه تحت شرایطی جرم را کنار می‌گذارد؛ مثلاً ازدواج می‌کند. دیگر اینکه به رغم هزینه بزهکاری به ادامه جرم می‌پردازد و جرم‌های دیگری نیز ارتکاب می‌یابد (بزهکاری مزمن). مجرمان اتفاقی یا ذوقی کسانی هستند که عواملی به وجود می‌آید که سبب می‌شود جرم را ترک کنند یا اینکه آگاهانه جرم را ترک کنند. پس با توجه به این فرض که مجرمین، آگاه و محاسبه‌گرند، دو گروه استثنا می‌شوند: صغار و مجانین. در کنار آگاهی عواملی وجود دارد که موجب کنار گذاشتن جرم از سوی فرد می‌شود. اول: سن؛ یک دوره سنی از حیث حیات مجرمانه به طفولیت، برنایی، نوجوانی، جوانی، میانسالی و بازنشستگی مجرمانه تقسیم می‌شود. سن در اغلب مجرمان ذوقی سبب می‌شود که جرم را کنار بگذارند.

جرم‌شناسی ۹۱۳

دوم: اتفاقاتی که در مسیر زندگی فرد رخ می‌دهد و سبب می‌شود که فرد به سمت جامعه‌پذیری برود مانند خدمت سربازی.

سوم: فرد آگاهانه تصمیم می‌گیرد که از جرم دست بکشد. مجرمین ذوقی به لحاظ هزینه بالایی که جرم دارد از ارتکاب جرم دست می‌کشند. سیبل‌های جرم به آن مجهزند یا حضور پلیس، تشدید کیفر، سخت‌گیری دادگاهها یا شدت عمل کیفری قضات هزینه کیفری را بالا می‌برد. در اینجا باید به بُعد بازدارندگی کیفر نیز توجه کرد که قانون جزا برای برخی از افراد تعرفه زندگی است که بر آن اساس و بر طبق تعرفه‌ها بسراغ جرم نمی‌روند.

مجرمین مزمن نه آگاهانه مرتکب جرم می‌شوند و نه وقایع اجتماعی آنها را از وقوع جرم منصرف می‌کند؛ مطالعات میدانی نشان داده که فعالیت مجرمانه یا جرم پدیده‌ای است همزمان بین اقشار مردم پراکنده و همزمان متراکم است. یعنی در بخش معینی از مردم رخ می‌دهد. در این حالت جرم متراکم است زیرا طبق مطالعات اکثریت مردم در برهه‌ای از حیات عملی را مرتکب شده‌اند که جرم بوده و به اطلاع مقامات نرسیده یا برخی از آنها به اطلاع مقامات رسیده و محکوم شده‌اند. در تحقیقی پیرامون رقم سیاه بزهکاری با ۱۷۰۰ نفر مصاحبه شد و فرض بر این بود که آنها مرتکب جرمی نشده‌اند. روش این بود که شخص در پرسشنامه‌ای بی‌نام جرم ارتكابی کشف نشده خود را بیان کند. در آنجا ۹۹ درصد بیان کردند که از ۴۹ نوع جرمی که در پرسشنامه آمده بود یک یا چند مورد مرتکب شدند ولی دستگیر نشدند مثلاً اظهارنامه تقلبی مالیاتی اختلاس، تقلب در بیمه ... بود. پس در یک تحقیق میدانی این عده چند جرم را انجام دادند بدون اینکه مجازات شوند لذا اقلیتی از آنها اکثریت جرایم را انجام داده‌اند. اینجا صحبت از تراکم است و این قسمت از جمعیت را بزهکار مزمن یا مکرر می‌گوییم.

۹۱۴ مباحثی در علوم جنایی

بزهکار مزمن لزوماً از نظر نوع جرم بزهکار خطرناک از نظر نوع جرم نیست بلکه اتفاقاً افرادی هستند که انواع جرایم را مرتکب می‌شوند و در زمینه خاصی متخصص نیستند. بزهکار مزمن شامل اقلیت افرادی است که جرایم متعددی را مرتکب می‌شوند و هزینه کیفری را در محاسباتشان لحاظ نمی‌کنند.

در این مورد دو نظریه وجود دارد: اول: نظریه شخصیت جنایی؛ دوم: نظریه عمومی جرم.

نظریات راجع به بزهکار مزمن

اول. شخصیت جنایی

شخصیت هر فرد یک هسته اصلی دارد که این هسته به چهار قسمت تقسیم می‌شود. آقای پیناتل در سال ۱۹۶۳ این نظریه را مطرح کرد. او اعتقاد داشت بزهکار مکرر شخصیتش از یک هسته اصلی تشکیل شده است که چهار مورد حول آن است که در صورت جمع، آن فرد مرتکب بزهکاری مکرر می‌شود. این چهار مورد عبارتند از:

۱. خودبینی (خود محوری)

شخص بزهکار همه چیز را براساس معیار خودش بررسی می‌کند و در محاسباتش افراد دیگر را لحاظ نمی‌کند. معیار اخلاقی خودش است و خود او است که به عمل مجرمانه مشروعیت می‌دهد و قضاوت دیگران یا قانون در ملاحظات او دخیل نیستند.

۲. بی ثباتی روحی (عدم آینده‌نگری)

یک مجرم مکرر، نوعی بی ثباتی در رفتار و منش خود دارد و نوعی بی‌سازمانی در او دیده می‌شود به طوری که چنین شخصی ناتوان از پیش‌بینی مجازات برای عمل ارتكابی خود می‌باشد.

۳. پرخاشگری

به فرد اجازه می‌دهد از مقاومت مادی بزه دیده عبور کند که یک نوع مبارزه‌جویی است و این بحث در جرایم علیه اشخاص خیلی مهم است.

۴. بی‌تفاوتی عاطفی

در واقع نوع دوستی، ترحم و دلسوزی را از افراد می‌گیرد؛ مثلاً در جرایم علیه اشخاص نسبت به حالات بزه دیده بی‌تفاوت است که این بی‌اعتنایی تا حدی به خود محوربینی مرتبط است.

هر یک از این عناصر چهارگانه در جرایم متفاوت به کار می‌آید. این نظریه بیشتر جنبه روان‌شناختی دارد و فرد را از حیث روانی از دیگران جدا می‌کند.

نظریه شخصیت جنایی بر پایه نظریه دیگری استوار بنام نظریه گذار از اندیشه به عمل مجرمانه. طرح و اندیشه مجرمانه به جز در موارد استثنایی در حقوق جزا ضمانت اجرای کیفری ندارد اما در جرم‌شناسی این اندیشه قابل توجه است زیرا چنانچه زمینه مناسب فراهم گردد به مرحله عمل در می‌آید و تشخیص این موارد در مطالعات بالینی موجب می‌گردد که از طریق اصلاح و درمان از وقوع جرم پیشگیری شود.

دوم. نظریه عمومی جرم

این نظریه در سال ۱۹۸۹ توسط گات فردسون^۱ و هیرسچی^۲ مطرح شد؛ آنها تا اندازه‌ای نظریه قبلی را به فعلیت درآوردند و روز آمد کردند. تفاوت این دیدگاه با دیدگاه بنتام این است که بنتام اعتقاد دارد جرم قبل از هر چیز یک رفتار و کردار است که به دنبال لذت و ارضای یک نیاز ارتکاب می‌یابد. جرم نیز مثل هر رفتاری

۹۱۶ مباحثی در علوم جنایی

دارای یک انگیزه است و بنابراین نه تنها جرم بلکه رفتارهای انحرافی هم دارای یک نوع انگیزه است.

نظریه عمومی جرم می‌گوید که افراد مجرم کسانی هستند که آستانه کنترل و مهار خود در آنها تضعیف شده است. به عبارت دیگر کنترل خود یا کنترل شخصی یا مانع وجدان در آنها ضعیف شده است. این نظریه در کل دارای پنج ویژگی است یعنی فردی که مرتکب جرم می‌شود مطابق این نظریه پنج خصیصه دارد:

۱. بزهکاری، عمل فردی است که کنترل شخصی در او ضعیف شده است، در پی ترمیم رضایت و تسکین آرزوهایش است و بنابراین بهره‌مادی را در نظر دارد و خشونت او را ارضا می‌کند. در نتیجه مرتکب جرایم علیه اشخاص می‌گردد. بزهکاران مکرر هدف و قصدشان ارضای سریع خواسته‌هایشان است و تابع شعار حال و اینجا هستند؛^۱

۲. حاصل جرم آنها موقت است؛ مثلاً درآمد ناشی از سرقت را فوراً مصرف می‌کنند و نوع جرم آنها نیز با برنامه نیست. به همین علت آنها در زندگی عادی موفق نیستند، زیرا زندگی نیازمند پایداری و استمرار در زمان است ولی آنها به دنبال مسایل آنی هستند و آینده‌نگر نیستند؛

۳. خیلی ماجراجو و خطرپذیر هستند. زیرا نتیجه برای آنها مهم است. بعد از خطر یا هزینه‌ای که وجود دارد برای آنها خیلی مهم نیست؛

۴. در بزهکاران مکرر اعمال مجرمانه وسیله‌ای است برای کسب سریع آن نتایجی که دیگران با تلاش به دنبال آن هستند. به همین دلیل این افراد از آنجا که فاقد عنصر استمرار و پشتکار هستند اعمالی را انتخاب می‌کنند که خیلی زود به هدف برسند؛

۱- Feredson

۲- Hirschi

جرم‌شناسی ۹۱۷

۵. خامساً آنها از ارتکاب جرایم بسیار ساده نیز هیچ ابایی ندارند. وقتی که خواسته آنها از طریق ارتکاب جرم تأمین شود جرایم بسیار ابتدایی را مرتکب می‌شوند، مانند کیف زنی. سرقت از فروشگاه...^۱

این نظریه شباهتهایی با نظریه شخصیت جنایی دارد به نظر طرفداران این نظریه بزهکاران مکرر نخست: اعمالی که مرتکب می‌شوند متعدد و متنوع است و بیشتر جنبه ابتدایی دارد و دوم: مسؤولیت اجتماعی ندارند و جسارت و گستاخی در آنها محرز است.

طرز کار شناخت بزهکار مکرر

اول. فقدان قدرت انتزاعی؛

دوم. حال‌نگری (لحظه‌نگری)؛

سوم. اقدام و عمل بدون محاسبه و اندیشه عمیق؛

چهارم. اقدام و عمل نتیجه بخش و فوری؛

پنجم. خود محوری و اینکه فرد، مرتکب یک نوع بی‌انصافی شده است.

اول: فقدان قدرت انتزاعی

همه ما می‌توانیم آثار یک عمل یا رفتار را در ذهن خود تصور کنیم و وقتی فرد حبس ۱ تا ۵ سال را ملاحظه می‌کند به لحاظ بررسی آن مرتکب جرم نمی‌شوند پس اثر جهل به قانون آن قدرتی است که انسان نسبت به تجسم دارد یعنی فرد بخاطر قدرت تفکر، عمل را حتی در صورت نبود تجربه انجام می‌دهد در مورد بزهکاران مکرر باید گفت که آنها از قدرت کمتری در تجسم برخوردار هستند و ضریب هوشی آنها از

۹۱۸ مباحثی در علوم جنایی

حالت متعارف کمتر است، لذا نمی‌توانند آن نتیجه را در ذهن خود تجسم کنند پس تشدید مجازات در مورد آنها اثری ندارد؛ یعنی هنگامی که آن را تجربه کنند نمی‌توانند آنرا در ذهن انسجام دهند. ضریب هوشی این افراد کم است اما آنها را نباید از دست رفته بحساب آورد، بلکه باید بتوان با مداخله در زمانهای مقتضی جلوی ارتکاب جرم را گرفت لذا اگر بموقع مسایل روانی روحی و شرایط آنها شناخته شود، می‌توان جلوی بزهکاری مکرر را گرفت (پیشگیری زودرس^۱ در همین جا مطرح می‌شود).

بزهکاران زودرس کسانی هستند که نخستین جرم ارتكابی آنها زودتر از سن متعارف می‌باشند. پس با بررسی حالات روانی و جسمی و اجتماعی شخص می‌توان جلوی ارتکاب بزه را گرفت.^۲

حالت خطرناک از دو رکن تشکیل شده است:

ظرفیت و استعداد مجرمانه و استعداد انطباق با جامعه. بزهکاران یقه سفید از ظرفیت جنایی بالا و قدرت انطباق‌پذیری خیلی بالا برخوردارند و استعداد مجرمانه را با جامعه‌پذیری انطباق می‌دهند که ممکن است در اذهان عمومی جرم بحساب نیاید یا ممکن است بزه دیده‌اش جامعه، شرکت یا دولت باشد یا اینکه اصلاً کشف نگردد. مثلاً در اختلاس از دولت، مجنی علیه - یعنی دولت - اعتباری است. علت بالا بودن رقم سیاه بزهکاری یقه سفیدها این است که قدرت ظرفیت جنایی و استعداد انطباق‌پذیری آنها خیلی بالا است. اینجا است که تفکیک مجرمین از غیر آنها غلط است زیرا چه بسا خیلی افراد بزهکار هستند و در جامعه هم حضور دارند اما ظرفیت بالایی جامعه‌پذیری باعث شده است که بزهکاری آنها کشف نگردد و به دلیل استعداد

۱. La Prévention Précoce/ Early Prevention

۲. در این خصوص رک. روبر کاریو، مداخله روان‌شناختی- اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، ترجمه دکتر علی‌حسین نجفی‌ایرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۶-

۱. برای آگاهی بیشتر از این نظریه بنگرید به: جرج ولد، توماس برنارد، جفری اسنیپس، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۸۲ الی ۲۹۶.

جرم‌شناسی ۹۱۹

بالای انطباق پذیری آنها دستگیر نمی‌گردند و از طرفی چه بزهکارانی که بی‌گناه می‌باشند و به لحاظ اشتباهات قضایی گناهکار تلقی شده‌اند.

مجرمین مزمن کسانی هستند که ظرفیت جنایی بالا دارند و استعداد جامعه‌پذیری آنها خیلی ضعیف است.

دوم: حال‌نگری (لحظه‌نگری)

نتیجه فقدان قدرت انتزاعی است. فرد بزهکار مکرر خاطره ندارد و مجازاتی که قبلاً بر او اعمال گردیده است را به یاد نمی‌آورد و لذا هیچ نوع پیوستگی در ذهن او وجود ندارد. به همین دلیل ناتوان از نوعی تداعی معانی است و کسی است که قدرت تصمیم ندارد.

حال‌نگری پاسخ دادن به یک انگیزش است که در او ایجاد می‌گردد. پس مجرم مکرر تحت تأثیر حال است و هیچ پیوستگی در اعمال و محاسبه او نیست و اینها در بین مجرمین در اقلیت هستند. آنها دچار مشکلات شخصیتی می‌باشند که با مداخله صحیح درست می‌شوند و می‌توان آنها را عقلانی کرد و تحت پوشش حقوق جزا درآورد.

تفاوت میان بزهکاری که در یک زمینه مرتکب تکرار جرم شود و بزهکاران مکرری که مرتکب جرم متنوع شوند چیست؟

بزهکاری که مرتکب جرم خاص می‌شود حکایت از یک نوع حرفه‌ای شدن جرم دارد و علت این است که در قانون جزا مقنن با حساب مجازات مقرر نموده است و فرد با این آگاهی مرتکب جرم می‌شوند.

در باب ارتکاب جرایم مشابه مثل سرقت، کلاهبرداری و ارتشا، مقرراتی بیان گردیده است. بنابراین به همین دلیل ارتکاب جرم و تکرار جرم عام و خاص مطرح شده است. لذا در این جرایم چون مشابهتی در موضوع هست و از طرفی این نشانگر هوش آنها است و به دنبال مسایل مادی هستند. بنابراین تکرار جرم در حقوق جزایی

۹۲۰ مباحثی در علوم جنایی

با رژیم کیفری خاصی مواجه می‌گردد و به همین دلیل قانونگذار به دنبال جلوگیری از تخصصی شدن است. پس تفکیک تکرار جرم عام و خاص ریشه در همین واقعیت جرم‌شناختی دارد و در تکرار جرم خاص خطرناکی شخص بیش از تکرار جرم عام است. لذا به افراد تکرار کننده جرم عام بزهکاران مزمن می‌گویند و دیدگاه بتنام عمدتاً راجع به تکرار جرم خاص است.

بدیهی است قرائت حقوق جزا از تکرار جرم با جرم‌شناسی تفاوت دارد و مقنن بطور اعتباری این فرض را قبول کرده است.

در سال ۱۳۷۰ وصف مجرمانه شامل مجرمی بود که لازم نبود مجازاتش را تحمل کند ولی در سال ۱۳۷۵ مجرم مکرر کسی است که بعد از اجرای مجازات مرتکب جرم جدید شده است که همان حکم سال ۱۳۵۲ است و این تعدد قرائت به تلقی مقنن از تکرار جرم برمی‌گردد.

سوم: مطلب دیگر فقدان اندیشه و تأمل است. زیرا بزهکار مزمن حال‌نگر است و تمرکز ندارد و این امر باعث می‌شود که نتواند حکم یا قضاوت جامعه را با حکم قانون تطبیق کند و در خصوص عملش تصمیم بگیرد. بنابراین برای پیشگیری دو عامل باید بررسی شود که یکی وضعی و دیگری شخصی است.

عوامل وضعی عبارتند از قانون جزا، بالا بودن تعرفه مجازاتها، احتمال دستگیری مجرم، ایجاد موانع بر سر راه ارتکاب جرم، عوامل شخصی که عامل درونی و قدرت اخلاقی و تحلیلی در ذهن فرد است و در اغلب انسانها فضیلت اخلاقی جلوی ارتکاب جرم را می‌گیرد.

در بزهکاری مکرر عامل وضعی و فردی نقشی ندارد. زیرا آنها قدرت مقایسه و تطبیق عمل خود را با معیارهای قانون از دست داده‌اند لذا همان لحظه را می‌بینند و از حیث درونی و اخلاقی نیز دچار ضعف هستند و پایین بودن مهار رفتار و کردار آنها به لحظه‌نگری و حال‌نگری برمی‌گردد.

جرم‌شناسی ۹۲۱

اقدامهایی که بزهکاران مکرر انجام می‌دهند فی‌الواقع دارای نتایج آنی و فوری است آن‌ها اقدامهایی را انجام می‌دهند و بلافاصله نتیجه آن را می‌بینند. لذا انسانهایی که دارای افسردگی هستند و معمولاً بسوی مواد مخدر می‌روند، برای رفع حالت افسردگی از داروخانه سرقت می‌کنند یا جیب‌بری می‌کنند تا بتوانند مواد تهیه کنند. لذا این نوع مجرمین مرتکب ویرانگری نمی‌شوند. به عنوان مثال، فردی که برای رفع مشکلش اتومبیلی سرقت می‌کند و سپس آن را پس می‌دهد اینجا او بزهکار مکرر است چون برای برطرف کردن نیازش چنین کاری را مرتکب گردیده است.

بزهکاران مزمن، فاقد تربیت خانوادگی و آموزش عادی بوده و از کمبودهای روانی، اجتماعی و فرهنگی رنج می‌برند که در اینجا با پیشگیری زودرس می‌توان از طریق تست روانی و اجتماعی و فرهنگی آن نقاط کوری که در شخصیت فرد قرار دارد را استخراج نمود. مثلاً پی می‌بریم که فرد از فقدان تربیت خانوادگی رنج می‌برد. لذا تجویز می‌شود که والدین او آموزش لازم را ببینند. در انگلیس والدین صغار را در بعضی موارد در سرقت مقصر می‌دانند یا اگر والدین معتاد باشند، فرزند را در این حالت به مراکز نگهداری یا افراد دیگر می‌سپارند. پس در پیشگیری سعی دارند کاری کنند که نگذارند فرد در آینده مرتکب جرم شود.

بزهکار مزمن دارای کمبودهای شخصیتی بوده و فاقد فقدان قدرت تجسم و تصور می‌باشد. کمبودهایی که در بزهکار به دلیل عدم ایفای نقش موثر خانواده او و نهادهای غیر قهرآمیز بوجود آمده‌اند به صورت ذیل مؤثر است:

اول جنبه یقین‌آور یا جامعه‌پذیر کننده دارند یعنی این نهادها بدون اعمال فشار و زور زمینه جامعه‌پذیری فرد را فراهم می‌کنند که در خانواده، مدرسه، محله، مسجد، کلیسا و محیط دوستان و همسالان و مانند اینها خلاصه می‌شوند. اینها محیط‌هایی هستند که انسان از آن عبور می‌کند و از هر یک مسایل جامعه‌پذیری خاصی را فرا می‌گیرد و هر یک از اینها باعث پیشگیری بزهکاری می‌شود. اما قصور آنها سبب

۹۲۲ مباحثی در علوم جنایی

می‌شود که عده‌ای بسوی وقوع جرم سوق پیدا کنند و اینجا است که نهادهای دیگری وارد می‌شوند که نهادهای قهرآمیز (یا نهادهای عدالت کیفری) نام دارند؛ مانند زندان و آنچه که در فرایند کیفری بنوعی در امر دادگستری دخیل هستند. در این موارد فی‌الواقع گروه اول قصور کرده‌اند و بزهکاری مزمن می‌تواند ریشه در تربیت داشته باشد، زیرا مدرسه با تربیت اطفال در مقام مهیج کردن طفل برای مقابله با مسایل اجتماعی است. انتزاعی کردن فکر در پرتو تربیت کسب می‌شود. در این زمینه دو دیدگاه اخلاقی و جامعه‌شناختی مطرح شده است.

از هر دو زاویه یک طفل باید جامعه‌پذیر شود یکی از طریق نهادهای جامعه‌شناختی و دیگری کسب تقوی و فضیلت اخلاقی در بعد جامعه‌شناختی دورکیم بیان می‌کند که انسان در جامعه زندگی می‌کند و چون اجتماعی است با نهادها و تشکلهای اجتماعی گاه با رضایت خود با این نهادها در ارتباط است و ساترلند نظری دارد تحت عنوان معاشرتهای افتراقی یا ترجیحی که براساس این نظر یک انسان یا نوجوان در دوران حیات خود در یک زمان معین با نهادهای مختلفی در ارتباط است و تعلقات گوناگونی می‌تواند داشته باشد؛ مثلاً میلش به ورزش باشد یا اینکه به مسایل مذهبی گرایش دارد که در حالت اول به باشگاه و در دومی به مسجد می‌رود و جنبه منفی تمایل وی می‌تواند گرایش به گروههای معتادین باشد. ساترلند می‌گوید این تعلقات گروهی همگی تأثیرات یکسان ندارند چرا که مدت عضویت در یک گروه و میزان تماس و انگیزه‌ای که فرد با آن گروهها دارد باعث می‌شود که در نهایت تعلیمات و مرامنامه و دستورات یک گروه را بر گروه دیگر ترجیح دهد و به عبارت دیگر یک گروه در او نفوذ بیشتری دارد و در نهایت اگر هدف گروه مثبت باشد او اجتماعی می‌شود و اگر مقصود گروه منفی باشد او انسانی غیراجتماعی می‌گردد البته انسانی منفعل که غیر عادی و چه بسا حالاتش مجرمانه نباشد اما فی حد ذاته دارای حالت خطرناک باشد؛ مانند ولگردی چرا که ولگرد فردی غیر اجتماعی

جرم‌شناسی ۹۲۳

است. اما برخی اوقات خصومت افراد با جامعه حالت فعال بخود می‌گیرد؛ مانند جرم زیرا جرم فراگرفتنی است و با معاشرتهای متنوعی که فرد با جامعه دارد به یک گروه بیشتر علاقمند می‌گردد و ممکن است از آنها و هنجارهایی که آن گروه تبلیغ می‌کند با ارزشهای مورد پذیرش جامعه در تضاد و تعارض باشد و وقتی فرد خواهان عمل به ارزشهای گروه است این امر منجر به زیر پا گذاشتن ارزشهای جامعه می‌شود. (وقوع جرم یا انحراف) در مورد مجرمین مزمن نهادهای اجتماعی کارکرد خود را به خوبی انجام نداده‌اند و باعث می‌شود که اینها مرتکب جرم شوند.

در تحقیقی که انجام شد تأثیر خانواده از سه جهت مورد توجه قرار گرفته است. اول مراقبت مستمر خانواده بر روی این افراد که دچار بزهکاری شده بودند در مقایسه با گروه شاهد خیلی کمتر بوده است. دوم نحوه کنترل والدین نسبت به نوجوانان با منطق خاصی همراه نبود یعنی اصول و چارچوب خاصی نداشت. سوم والدین به صورت افراطی فرزندان را به حال خود رها کرده بودند و این افراد وابستگی عاطفی نسبت به والدین خود نداشتند.

بررسی‌های انجام شده بر روی والدین مبین آن بود که اول بچه‌های مزبور در خانواده تک والدینی حضور داشتند دوم پدر همسر دیگری داشت. لذا قصور والدین محرز است. به همین خاطر اطفالی که به صورت زودرس مرتکب جرم می‌شوند از این کمبودهای خانوادگی رنج برده‌اند اما از جهت دیگر کمبودهای اخلاقی هم در آنها ملاحظه شده است، مسایل اخلاقی آن چیزی را تشکیل می‌دهد که به عنوان موانع اخلاقی در افراد مطرح است و افراد را از کارهای ناپسند منصرف می‌سازد. در این دسته از اطفال مدرسه یا خانواده بعد آموزش و درسی را به خوبی انجام دادند ولی از حیث پرورشی و اخلاقی کارکرد خوبی نداشتند یعنی پرورش و تربیت را به خوبی انجام ندادند و عبارتی بعد پرورشی ضعیف بوده است. این افراد در معیارهای ارزشی الگوی اخلاقی مشخصی نداشتند و موانعی که آنها را نهی کند مفقود بود و

۹۲۴ مباحثی در علوم جنایی

کمبودهای اخلاقی و درونی رنج می‌برند و برای مقابله با بزهکاری زودرس و مزمن راه‌حل‌های متفاوتی بیان شده است، یکی از این راه‌حل‌ها پیشگیری است بطور کلی سه نوع پیشگیری مطرح است:

پیشگیری اولیه که در این نوع پیشگیری با اتخاذ یکسری تدابیر کلی هدف این است که زمینه‌های ارتکاب جرم و شیوع جرم محدود گردد. لذا اینجا هدف، گروه خاصی نیست بلکه کل جامعه هدف است؛ یعنی جامعه به گونه‌ای شود که کل آن از وقوع جرم خودداری کند و به دنبال یک نوع سالم‌سازی عمومی است.

پیشگیری ثانویه که ناظر به مقابله با وضعیتهای بحرانی جامعه است؛ یعنی گروههایی که حضور آنها نوید ارتکاب جرم خاصی در آینده را می‌دهد و گروههای بحرانی که یک بالقوگی مجرمانه در آنها محسوس است و این نوع پیشگیری سعی دارد این بحرانی را خنثی کند پس هدف آن از یک طرف شناسایی عوامل جرم‌زا و از طرف دیگر مقابله با آن هدف است در این مرحله فرد هنوز مرتکب جرم نشده است. پیشگیری ثالث که در این مرحله به مقابله با مرتکب جرم می‌پردازد و کلاً در این مرحله سازوکار گذار از اندیشه به فعل مجرمانه رخ داده است و بنوعی این مرحله به مقابله با مجرم می‌پردازد؛ یعنی تهذیب اخلاقی بزهکار هدف است.

پیشگیری زودرس

در این نوع پیشگیری فی‌الواقع هدف این است که بالقوگی مجرمانه که یک سلسله ویژگی‌های بیرونی دارد را شناسایی و درمان نماید. این پیشگیری دارای مراحل است و در سنین پایین نسبت به افراد اعمال می‌گردد و از دوران ابتدایی گرفته تا راهنمایی این پیشگیری اجرا می‌گردد و مدت آن معمولاً یکسان است و در مورد افراد فوق به صورت مداوم اعمال می‌گردد. این پیشگیری علاوه بر اطفال و نوجوانان عنداللزوم والدین و آموزگاران را نیز در فرایند پیشگیری سهیم می‌داند؛ چرا که فرض بر این

جرم‌شناسی ۹۲۵

است که بزهکاری زودرس نشانه بزهکاری مزمن می‌باشد و این امر امکان دارد ناشی از اشتباهات والدین یا آموزگاران باشد، چون که دیگر مدرسه و خانواده در جامعه‌پذیری فرد نقش مهمی دارند. همچنین نابرابری یا رفتار سوء همسالان می‌تواند موجبی برای بزهکاری زودرس باشد. بنابراین پیشگیری زودرس اقداماتی است که مشارکت اطفال همراه با والدین و معلمان آنها را می‌طلبد و در صدد است بطور زودرس طفل را از ارتکاب جرم باز دارد اما بخشی از این اطفال علیرغم پیشگیری زودرس به ارتکاب جرم مبادرت می‌ورزند؛ بعبارت دیگر اقدامات پیشگیری زودرس ناتوان از القاء قدرت انتزاعی به طفل است و این افراد به بزهکاران مزمن تبدیل می‌شوند در این حالت راه‌حل وجود دارد. اول توسل به حقوق جزا یعنی بُعد قهرآمیز و اجبار کننده و نهادهای اجتماعی که راه‌حل‌های ساده‌ای مانند زندان و کیفرهای از این قبیل جلوی ارتکاب جرم را می‌گیرند. دوم از طریق مؤسسات بینابین که نه زندان هستند و نه خانه بلکه نهادهایی هستند که شبیه زندان می‌باشد و بنوعی به دنبال اصلاح وی برمی‌آیند. سوم پیشگیری وضعی که ناظر به خنثی کردن سازوکار اندیشه مجرمانه به عمل مجرمانه یعنی بی‌انگیزه کردن مجرم است و این پیشگیری از طریق دو محور اجرا می‌گردد. یکی از طریق بالا بردن هزینه کیفری یعنی اثرگذاری بر خود مجرم بالقوه به مانند افزایش مجازات و دوم محو موقعیتهای مجرمانه و وضعیتهای مشرف به جرم با مداخله و خنثی کردن آنها. پیشگیری وضعی نسبت به مجرمین مزمن که حال‌نگرند بی‌اثر است؛ زیرا این امر در کسانی اثر دارد که محاسبه‌گر باشند اما لاقلاً این پیشگیری موجب افزایش احتمال دستگیری این اشخاص می‌شود.

جرم سازمان یافته

در مقابل بزهکاری مزمن سخن از جرم سازمان یافته است. این جرایم دارای ویژگی‌های خاصی نسبت به سایر بزه‌ها می‌باشد. زیرا در این نوع جرایم عده‌ای از

۹۲۶ مباحثی در علوم جنایی

افراد که بنوعی با هم مرتبط هستند سعی در نقض قانون دارند و کارهای یکدیگر را بدون تأثیرگذاری، سازمان می‌دهند و از بی‌سازمانی به انسجام و سازمان یافتگی می‌رسند و از سوی این تشکل توانایی مقابله با پلیس، فشارهای دیگر خارجی مانند عوامل افشا کننده و برای مقابله با فشارهای درونی قدرت لازم را دارا می‌باشند.

با وجود آن، در سالهای اخیر در ایتالیا که موطن جرم مذکور است سازمانها مجرمانه شناسایی شده و برخی از آنها متلاشی شدند مانند مافیا و حتی جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان توانستند با کالبد شکافی این جرم به خوبی آن را تحلیل و شناسایی نمایند و مطالعات مفیدی در مورد ساختار آنها انجام دهند که امروزه در اختیار ما است.

جرم سازمان یافته اصطلاحی است که در دهه‌های اخیر وارد حقوق جزای داخلی و بین‌الملل شده است و ابتدا در جامعه‌شناسی انحراف در آمریکا مطرح گردید، زیرا این کشور مهاجرپذیر است و از فرهنگ‌های متفاوتی تشکیل شده است که گاه این فرهنگ‌ها در درون فرهنگ اصلی آمریکا حل نمی‌شود و معمولاً سالها با آن فرهنگ همزیستی می‌کند اما در آن حل نمی‌شوند؛ یعنی مهاجرین با وجود زندگی در آنجا آداب و رسوم و عرف خود را حفظ و به فرزندان خود منتقل می‌نمایند. فرهنگ‌های مهاجرتی که در آمریکا به خرده فرهنگ تبدیل می‌گردد اگر با فرهنگ آمریکایی وجه اشتراک داشته باشد مشکلی پیش نمی‌آید اما بعضی از آن فرهنگها با فرهنگ کشور مهاجرپذیر سنخیتی ندارند و چه بسا برخی از دستورات یا ارزشهای آنها با فرهنگ کشور مهاجرپذیر مغایر باشد که اینجا تعارض فرهنگ به وجود می‌آید، از جمله این تعارض فرهنگ خرده فرهنگ‌هایی است که با مهاجرت ایتالیایی‌ها، بلغارها و یونانی‌ها به آمریکا انتقال یافت.

در شرایط کلی فرض بر این است که فرد از دستورات جامعه خود تبعیت کند؛ یعنی اگر یک آمریکایی به ایران آمد باید از قواعد ایران تبعیت کند اما در مورد خرده

جرم‌شناسی ۹۲۷

فرهنگ‌ها نسبت به فرزندان که هم می‌خواهند فرهنگ خود را اجرا کنند و هم فرهنگ کشور مهاجرپذیر مشکل ایجاد می‌شود. برای مثال قربانی گوسفند در عید قربان نزد ایرانیان مسلمان امر مباح و نیکو است اما در آمریکا قربانی کردن حیوانات باید در مراکز بهداشتی صورت پذیرد؛ حال اگر یک ایرانی در آمریکا در خیابان چنین کند جرم مرتکب شده است و حال اینکه در ایران این یک عمل کاملاً پسندیده است. در نظریه تعارض فرهنگها ایده بر این است که فرزندان مهاجرپذیر تحت تأثیر تربیت خانوادگی خود بیشتر میل دارند از فرهنگ خانوادگی تبعیت کنند تا فرهنگ جامعه.

آمریکا و جرم سازمان یافته

در آمریکا با اینکه قدرت جذب فرهنگهای متنوع از ۱۸۹ کشور وجود دارد اما برخی از فرهنگها در آن حل نشده است و به همین منظور فرهنگ مهاجرین دو حالت دارد: فرهنگهایی که معمول یا مشروع است فرهنگهای تبهکارانه و منحرفانه که آمریکا یا کشورهای مهاجرپذیر رفته است.

یکی از این خرده فرهنگها مهاجران فرهنگ مافیایی در جنوب ایتالیا است که در قبل از جنگ جهانی دوم بدلیل مشکلات اقتصادی که در آمریکا بوده است و از طرفی با تصویب قانون منع فروش و مصرف الکل و مواد الکلی بخاطر بازار سیاه و ضرر به دولت گروههای مهاجر به صورت پنهانی در این زمینه فعالیت می‌کردند* . یکی از نخستین اندیشمندانی که به این قضیه توجه کرد آقای ساترلند بوده است. او در مورد جرم سازمان یافته و یا ارتکاب سازمان یافته جرم تحقیقاتی انجام داد و به این نتیجه رسید که مجرمین برای افزایش درآمد و توفیق بهتر و دور از دسترس پلیس بودن نیاز به نظم و انسجام دارند؛ هر چند خود جرم بی‌نظمی به وجود می‌آورد اما مجرمین در

* البته این قانون بعداً لغو شد.

۹۲۸ مباحثی در علوم جنایی

برخی جاها جرم را به صورت منظم سازماندهی می‌کنند تا بهتر آن را انجام دهند. البته در این جرم مجرمین نیاز به مشارکت دارند که این مشارکت با شرکت در جرم تفاوت دارد زیرا مشارکت در جرم‌شناسی با حقوق جزا تفاوت دارد چرا که در جرم‌شناسی مشارکت اعم از شرکت و معاونت در جرم است که محتاج رهبریت و نظم شفاهی، تقسیم کار، وجود منافع مشترک و هدف مشترک است و ضدیت آگاهانه یا ارتجاعی نسبت به هنجارهای اجتماعی یا قانون است.

جرم در برخی از جوامع به صورت گروهی وجود داشته است مانند قبایلی در هند که به سرقت می‌پردازند یا سازمانهای شبه نظامی که با کمک مردم امرار معاش می‌نمایند جرم سازمان یافته امروزه در دو وادی اقتصاد و خدمات تحقق می‌یابد و تروریسم را در بر نمی‌گیرد.

لازم به توضیح است که در حقوق جزا انگیزه مطرح نیست ولی سوء نیت بسیار مهم است، اما در جرم‌شناسی به انگیزه نیز توجه می‌گردد. البته بعضی از جرایم مثل جرایم سیاسی علاوه بر سوء نیت به انگیزه نیز نیاز دارند. این جرم در جامعه‌شناسی کیفری بحث می‌شود و مخاطب آن یک نظام سیاسی و حکومت است و او از طریق اعمال خود نظام سیاسی را زیر سؤال می‌برد.

جرم‌شناسی نظری به دو شاخه خرد و کلان تقسیم می‌گردد. جرم‌شناسی خرد پدیده فردی جرم را بررسی می‌کند؛ مثل سن و وضع جسمانی و موضوع جرم‌شناسی کلان بزهکاری است، لیکن با عنایت به تأثیر و تأثر ساختارهای جامعه و نظام سیاسی به بررسی بزهکاری می‌پردازد یعنی مثلاً ساختار پلیس را بررسی می‌کنیم. جرم سیاسی نیز در این بخش تقسیم می‌گردد.

جرم‌شناسی جرم سازمان یافته نیز دارای دو مقوله است:

اول مطالعه جرایم سنتی که در جامعه به صورت سازمان یافته وجود داشته است؛ مانند مافیا در ایتالیا که کلاً در نهادها و طوایف بطور سنتی قرار دارد. دوم جرایم

جرم‌شناسی ۹۲۹

جدیدی که به صورت سازمان یافته رخ می‌دهد و دارای اشکال جدید است. مورد اول جزء آداب و سنن است مانند یاکوزا در ژاپن یا مافیا در ایتالیا و مورد دوم مانند تطهیر پول.

ویژگی‌های جرایم سازمان یافته از نظر ساترلند

این نوع سازمان‌ها معمولاً دو تا پنج عضو دارند و با هنجارهای اجتماعی همزیستی مسالمت‌آمیز ندارند، اعضای آنها به یکدیگر کمک می‌کنند و در فعالیتهای اقتصادی و خدماتی حضور دارند و این تشکل‌ها یک نوع مشارکت با نهادهای کنترل‌کننده جرم از جمله پلیس یا مقامات تعقیب دارند و آنها را معمولاً تطمیع می‌کنند. این تشکل‌ها از مقاطع زمانی بهره می‌گیرند و اگر در جایی حکومت دچار ضعف و دارای بحران باشد عقیده بر این است که آنجا جرم مزبور رشد می‌کند؛ یعنی اگر دولت مرکزی در خود ضعف داشته باشد و کارایی حکومت در مقابله با جرم تضعیف گردد این نوع جرایم پدیدار می‌شود.

فرایند ارتکاب جرم سازمان یافته و مصرف اموال ناشی از جرم زنجیره‌ای است که آغاز آن طرح‌ریزی پروژه مجرمانه است و هدف آنها فروش اموال ناشی از جرم است و این زنجیره نیاز به همبستگی و مشارکت و تفاهم دارد و از سویی در این نوع بزه نوعی تقسیم کار و تخصص هست؛ مثلاً در خرید اموال مسروقه با سارقین نوعی همکاری وجود دارد و با نفوذ در دستگاه پلیس قضایی سعی در تضعیف زرادخانه کیفری دارند و حتی در مجلس و قانونگذاری مداخله می‌کنند تا فعالیتهای مجرمانه آنها قانونی تلقی گردد یا در میزان کیفر تقلیل دهند و حتی در جاهایی که سیستم تناسب تعقیب وجود دارد با نفوذ در دادسرا بنوعی جلوی تعقیب را می‌گیرند. در دادگاهها، هیأت ژوری و قضات نفوذ می‌کند تا احکام سبکی صادر گردد و اگر فرد محبوس گردد با نفوذ در مسئولان زندان یک رژیم ارفاقی برای این دسته مجرمین فراهم می‌کنند. از طرف دیگر این جرایم جنبه خدماتی نیز دارند؛ مانند خودفروشی،

۹۳۰ مباحثی در علوم جنایی

قمارخانه، عسرتکده و فعالیتهای اقتصادی مثل مزایده، مناقصه، ارتشا و اختلاس، جزء برنامه‌های آنها می‌باشد.

تشکل‌های مجرمانه با حکومت سروکار دارند؛ یعنی ارکان حکومت را در سطح ملی یا محلی متزلزل کرده‌اند و اینجا است که سخن از فساد اداری به میان می‌آید زیرا این تشکل‌ها از نظام سوء استفاده می‌کنند و به نفع خود بهره می‌گیرند به همین دلیل در ایتالیا هر ۸ ماه انتخابات برگزار می‌شود و هر چند سال رؤسای پلیس یا قضات عوض می‌شوند. این امر نشان دهنده عدم ثبات در حکومت است.

دیدگاه گسن در مورد جرم سازمان یافته

گسن عقیده دارد که جرم سازمان یافته فعلی است که از یک اراده مصمم ناشی می‌شود و بیشتر جنبه تملک دارد و معمولاً در یک چارچوب غیر مشخص صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر جرم سازمان یافته به دنبال یک مناسبت، برنامه‌ریزی، جمع‌آوری امکانات و همین‌طور جذب معاونین و شرکا که در جرم مشارکت دارند، است.

او با توجه به مطالعات میدانی سه نوع جرم سازمان یافته را معرفی می‌کند جرم سازمان یافته اول، جرم سازمان یافته خشونت‌آمیز مانند سرقت مسلحانه از بانک‌ها و مؤسسات مالی است.

دوم انجام فعالیتهای خدماتی درآمددار، مانند عسرتکده که فی‌الواقع یک نوع بهره‌برداری از فساد دیگران یا به فساد کشاندن دیگران است

سوم جرم یقه سفیدها و افراد متنفذ. این گروه کسانی هستند که به لحاظ تعلقات طبقاتی و اجتماعی و مذهبی ظن مجرمانه علیه آنها وجود ندارد.

جرم سازمان یافته نهایش اقتصادی و مالی است اگر چه این کسب درآمد ممکن است از طریق عرضه خدمات باشد اما هدف، کسب درآمد است؛ مثلاً در روسپیگری

جرم‌شناسی ۹۳۱

که عرضه خدمات صورت می‌گیرد ولی هدف کسب درآمد است یا ارایه خدمات حمایتی به دیگران که نهایتاً جنبه مالی دارد. جرایم سیاسی سازمان یافته از شمول جرم سازمان یافته خارج هستند اگر چه امکان دارد تروریسم و جرایم علیه بشریت به صورت برنامه‌ریزی شده عمل کنند اما از حیث جرم‌شناسی این‌ها جزء جرایم سازمان یافته محسوب نمی‌شوند. از یک طرف کنوانسیون پالمو فقط به جرایمی پرداخته است که جنبه اقتصادی دارند مانند ارتشا تطهیر پول و نکته دیگر اینکه سازمانهای بررسی شده به دنبال مسایل اقتصادی بوده‌اند، زیرا در جرایم سیاسی هدف بدست آوردن نظام و حکومت است ولی در جرایم مزبور هدف کسب مال و تملک منفعت است.

از دیگر نکات تعریف گسن این است که جرم سازمان یافته هم از طریق خشونت و هم از طریق نیرنگ محقق می‌گردد. از طریق خشونت یعنی از زور و نیرو سوء استفاده شود چرا که نیرو امری مشروع است و همین که از آن سوء استفاده گردد جرم واقع می‌شود مانند دفاع مشروع که همواره با دفاع شخصی فرق دارد. پس بطور کلی در وادی حقوق جزا جرایم در قالب سوء استفاده از زور و نیرو یا با خدعه اتفاق می‌افتد که اولی به صورت خشونت است و دیگری بطور نیرنگ تجلی می‌یابند. در جرم سازمان یافته در کنار خشونت نیرنگ نیز هست. این جرم قسمت عمده‌اش خدماتی بودن و اقتصادی بودنش است و سیاسی نمی‌باشد بنابراین جرایمی که همراه با نیرنگ توسط یقه سفیدها و جرایمی که با خشونت همراه است توسط یقه آبی‌ها رخ می‌دهد. لذا وزیر یا یک کارمند عالی رتبه می‌تواند در قالب سازمان یافتگی مرتکب جرم شود و مجرمین یقه سفید کسانی هستند که دارای قدرت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی می‌باشند و بطور کلی افرادی متنفذ هستند. در تشکیلات مجرمانه علی‌الاصول طوری یارگیری می‌شود که آنها قادر به کشتن باشند و از طرف دیگر آماده کشته شدن باشند بدین لحاظ است که در مافیا «شهرت به خشونت برخشونت

۹۳۲ مباحثی در علوم جنایی

در عمل «برتری دارد. با توجه به تعریف آقای ساترلند و گسن نه ویژگی در جرم سازمان یافته مطرح است.

اول: ساختار گروهی دارند؛

دوم: قدرت مرکزی دارند؛

سوم: استقرار و تداوم دارند؛

چهارم: وجود قواعد و مقررات ضمنی و الزام آوار برای اعضا؛

پنجم: وجود بزهکاران حرفه‌ای؛

ششم: روشمند بودن عملیات یا نظام‌مند بودن آنها؛

هفتم: پاسخ دادن به تقاضای خدمات و اموال نامشروع؛

هشتم: انحصاری‌گری؛ یعنی تلاش برای انحصاری کردن کارهای خود؛

نهم: توسل به خشونت و نیرنگ.

بنیان سازمان‌های جنایی درصدد نفوذ بر اجرای حکومتها می‌باشند. بدین جهت تهدیدی برای حکومتها، خصوصاً حکومتهای دموکراتیک هستند لذا دشمن اصلی دموکراسی می‌باشند اما اخیراً به دنبال جهانی شدن اقتصاد و تسهیل ارتباطات الکترونیکی و وسایل حمل و نقل پیشرفته این جرایم جنبه جهانی و فراملی بخود گرفته است. شاید به همین دلیل است که در سال ۲۰۰۰ کنوانسیون علیه جرایم سازمان یافته فراملی تصویب شده است و امروزه شکل منطقه‌ای و فراملی این جرم بُعد ملی بزه مزبور را تحت الشعاع خود قرار داده است. برخی عقیده دارند که مطرح کردن این مجرمین و جرایم همراه با زیاده‌روی بوده است لذا واقعیت آن کمتر از چیزی است که پلیس و مراجع قضایی مطرح می‌کنند بنابراین آنها برای جلب و جذب توجه مقامات دولتی و بودجه واقعیات را قلب می‌کنند و ارقام کذایی ارایه می‌دهند و بنوعی خطرناک بودن آن ساخته ذهن پلیس است چرا که آنها غافلگیر شده‌اند و دانش آنها توانایی رویارویی با این مشکل جدید بزهکاری را ندارد پس

جرم‌شناسی ۹۳۳

برای کسب امکانات بیشتر مجبور هستند تا خبرهای قلب شده ارایه دهند. افراد فوق عقیده دارند که جرم سازمان یافته قبل از اینکه توسط ساترلند مطرح شود وجود داشته اما عنوان سازمان نداشته بلکه در آن زمان صحبت از طبقات خطرناک مانند اوباشها یا ولگردها بوده است.

عده‌ای معتقدند که بهتر است به جرم سازمان یافته، فعالیتهای نامشروع یا غیر مجاز بگوییم. دلیلی که مطرح می‌کنند این است که اطلاق سازمان یافته به امری که خصومت‌آمیز است نقض غرض است لذا صحبت از فعالیتهای غیر مجاز و اقتصاد جنایی می‌باشد چرا که ذات جرم بی‌نظمی است و نباید به آن سازمان یافته گفت.

به دنبال فروپاشی سازمانهای جنایی فعال در جنوب ایتالیا تا اندازه‌ای بحث فوق روشن شد و به دنبال قتل چند قاضی عالی‌رتبه و حتی وزیر ایتالیایی سبب گردید که دولت ایتالیا سعی کند علیه مافیا مبارزه نماید.

در پی دستگیری برخی از اعضای مافیا و اقرار آنها مشخص شد که سازمانهای زیر مجموعه مافیا بعضاً با قدمتی برابر با ۱۵۰ سال در ایتالیا و کشورهای دیگر اروپایی و آمریکایی فعالیت داشته‌اند و دارند؛ مثلاً کوزانسترا در سال ۱۸۵۰ در سیسیل تأسیس گردید.

چهار اصل که مافیا در تأسیس آنها را رعایت می‌کند:

اول. حفظ نظم در درون سازمان: با توجه به اینکه اعضای آنها زیاد است بنابراین نظم و ضمانت اجرایی و مقرراتی باید در آن وجود داشته باشد و تا تخلفات انضباطی را مجازات کنند. پس سعی می‌کنند تا سازمان را در قبال پلیس و عوامل قضایی آسیب‌پذیر نکنند.

دوم. استخدام و بکارگیری نیروهایی که قادر به حفظ اسرار و کنترل خویش باشند: اینجا است که بزهکاران مرمز در مافیا جایگاهی ندارند زیرا آنها به دنبال مجرمین حرفه‌ای هستند.

۹۳۴ مباحثی در علوم جنایی

سوم. خود را از قلع و قمع و سرکوبی مصون نگه می‌دارند: زیرا گروه مجرمانه به لحاظ موقعیت خود (مجرمانه بودن) آسیب‌پذیر است. بنابراین آنها از وسایل پیشرفته‌ای بهره می‌گیرند. پس باید با اقداماتی که اتخاذ می‌کنند به دنبال نوعی تعادل با امکانات پلیس باشند.

چهارم افزایش سوددهی: هدف آنها افزایش سود و منفعت است؛ یعنی سعی دارند بنوعی نیازهای مالی خود را که همانا هدف ذاتی آنها است تأمین کنند و از طرفی سعی بکنند که در عین مصون ماندن، سودآوری خود را تضمین نمایند. چون مافیا نمی‌تواند دست به تبلیغ بزند و اقدامات خود را برای جلب مشتری بیان کند. پس از حیث رقابتی نمی‌تواند از امکانات و وسایل مؤسسات مشروع برای افزایش سودآور خویش استفاده کند.

مافیا یک سیاست داخلی دارد و یک سیاست خارجی. سیاست داخلی به نحوه کار داخلی سازمان برای اجرای برنامه‌ها و نقشه‌های مجرمانه مربوط است. دو قاعده اول جزء سیاست داخلی هستند. سیاست خارجی یعنی خنثی کردن برنامه‌های دشمنان مافیا. اصولاً کشف جرم به دو صورت کنشی و واکنشی صورت می‌گیرد؛ کنشی یعنی توسط خود پلیس و واکنشی که توسط مردم اطلاع داده می‌شود حال با توجه به اینکه $\frac{3}{4}$ از جرایم کشف شده به صورت واکنشی هستند پس مافیا درصدد جذب مردم است و از این طریق هزینه‌های زیادی خرج می‌کند تا مردم مافیا را یاور خود بدانند.

سیاست داخلی مافیا

مافیاهای شبکه‌های نامتمرکز دارند؛ یعنی برخلاف سازمانهای مجرمانه که به صورت هرمی هستند اینها افقی شکل می‌باشند. اختلافات و نفاق در آن بعنوان یک ویژگی ذاتی است. اینها با هم به صورت افقی روابط متقابل دارند و بوسیله یک شخص

جرم‌شناسی ۹۳۵

نامری هدایت می‌شوند و برای اینکه از تیررس نیروهای پلیس فرار کنند افقی هستند؛ زیرا در ساختار هرمی به محض توبه یکی از اعضاء بقیه نیز دستگیر می‌شوند. بنابراین مافیا در پاسخ به این حربه بنای افقی تشکیل می‌دهد و با شناخت یک عضو بقیه در مصونیت بسر می‌برند. شبکه‌ها هیچ ارتباطی با هم ندارند و اگر حلقه سوم شناسایی شود حلقه اول قابل شناسایی نمی‌باشد. در افقی بودن اصل بر تعاون و همکاری است. استفاده از ارباب به صورت متقابل است و برای اینکه اسرار گروهی‌شان بیرون نرود گفته شده است که سلسله مراتب ندارند، یعنی مدیریت متمرکز شناخته شده‌ای ندارند. همین امر آنها را از تعقیب مصون نگاه می‌دارد و از طرفی به جهت انتقام‌جویی کسی جرأت ندارد آنها را به پلیس معرفی کند. به همین ترتیب است که مافیا موفق شده است حدود ۱۵۰ سال فعالیت کند و شعباتی در ایتالیا و کشورهای مهاجرپذیر داشته باشد.

جرم‌شناسان آنها را با باندهای بزهکاری مقایسه می‌کنند. دلیل آن این است که مافیا سعی در محبوبیت خود دارد تا مردم را جذب کنند و عضوی از جامعه بحساب آیند. اینها در ادارات پلیس و دستگاه قضایی و حتی در مجلس نفوذ دارند. اما یک باند بزهکاری عادی نمی‌تواند خود را عضو جامعه تلقی کند و حلقه کاری آنها نیز محدود است و به محض متلاشی شدن افراد آن بیکار می‌شوند و برای کاریابی هیچ کس به آنها کمک نمی‌کند ولی در مافیا بنوعی امنیت کاری وجود دارد و اعضاء مافیا خود را عضوی از جامعه می‌دانند. مافیا در استخدام اعضاء خود شرایطی را برای آنها در نظر می‌گیرد، اول اینکه این فرد عامل جاسوسی و ستون پنجم از سوی دولت یا گروه رقیب نباشد به همین دلیل هویت او را بررسی می‌کنند دوم ادای سوگند به وفاداری است تا شخص احساس مسئولیت کند. افراد استخدام شده باید سابقه عضویت در گروه‌های دیگر را نداشته و امین باشند و علاوه بر این توانایی خشونت را داشته باشند چرا که مافیا در کنار نیرنگ از خشونت نیز بهره می‌گیرد حتی هنگام

۹۳۶ مباحثی در علوم جنایی

استخدام از او می‌خواهند که قتل انجام دهد تا میزان قساوت وی را بسنجند و به این ترتیب مافیا در عمل سعی دارد بیشتر به خشونت شهرت داشته باشد تا اینکه آنرا در عمل انجام دهد.

سیاست خارجی مافیا

اول خشتی کردن تلاش‌های نهادهای کنترل‌کننده جرم از طریق قطع ارتباط مردم با آنها؛

دوم اولویت دادن به داد و ستدهای مجرمانه تا خشونت‌ها چه ضمن تأمین منافع به سوداگری نیز می‌پردازند؛

سوم ارائه خدمات به مردم با هدف جلب حمایت مردم به خود؛ چهارم متنوع سازی منابع مالی.

اول: خشتی کردن تلاش‌های نهادهای کنترل‌کننده جرم

اصولاً پلیس و دستگاه قضایی برای کنترل حدود $\frac{3}{4}$ جرایم ارتكابی نیاز به همکاری جامعه مدنی و مردم دارند و حدود $\frac{1}{4}$ جرایم توسط شهود خودشان کشف می‌گردد. پس کارآیی پلیس به کارآیی مردم و همکاری آنها خیلی وابسته است.

در ایران نیز جرایم جدی عمدتاً از طریق شهادت اثبات می‌گردد. پس قاضی یا پلیس بی‌نیاز از مردم نمی‌باشد، لذا اگر تصویر این نهادها منفی و غیر مردمی باشد باعث عدم کارآیی آنها می‌شود.

یکی از خط و مشی‌های آنها قطع ارتباط مردم با پلیس است و برای اینکه چهره آنها را بد نشان دهند به دو طریق عمل می‌کنند:

اول: سکوت یعنی از طریق تهدید افراد به انتقام‌جویی.

جرم‌شناسی ۹۳۷

دوم: جایگزین کردن خود بجای نهادهای کنترل کننده به گونه‌ای که در ذهنیت عمومی رجوع به پلیس علامت منفی تلقی گردد. از سوی دیگر سعی دارند در انتخابات شهرداری و مجلس حضور یابند و آراء را برای گروه و شخص خاصی هدایت کنند و با توجه به اینکه در کنار پلیس ملی، پلیس شهرداری هم هست. انتخاب شهردار مورد حمایت آنها باعث می‌شود تا پلیس در اختیار آنها قرار گیرد. در آمار سیسیل معین شده است که اقلیت (حدود ۲۳ درصد) کوچکی از پرونده‌های قتل مختومه می‌گردد و بقیه جزء رقم سیاه قرار می‌گیرد و در پرونده‌های فرجامی بین سالهای ۱۹۹۴ تا ۱۹۸۶، ۴۸۰ رأی مربوط به اعضاء مافیا نقض شده است.

پس نفوذ در پلیس و دستگاه قضایی و قطع ارتباط مردم با آنها و جایگزین کردن خود بجای نهادهای مذکور جز سیاست خارجی آنها محسوب می‌شود. مافیا در محل‌هایی که بوده‌اند موفق به اعمال چنین هدفی شده‌اند؛ یعنی یا پلیس منفعل شده است یا اینکه مردم با این نهادها قطع ارتباط کرده‌اند.

دوم: اولویت دادن به داد و ستدهای مجرمانه در برابر جرایم خشونت‌بار

آنها بجای جرایم خشونت‌بار جرایمی مرتکب می‌شوند که علی‌الاصول شاکی ندارد و با این روش افکار عمومی را تهییج نمی‌کنند مانند توزیع مواد مخدر، الکل، تشکیل قمارخانه یا عشرتکده.

ممکن است در این راه درآمد آنها تنزل یابد لذا مجبور می‌گردند که داد و ستد مشروع را ادامه دهند. در اینجا بحث نیرنگ است یعنی بزه‌های خدعه‌آمیز و متقلبانه را مرتکب می‌شوند و این یک سیاست آگاهانه است تا موجب تداوم آنها گردد چون که اگر جرایم خشونت‌بار زیاد شود باعث می‌شود تقاضای اجتماعی و مردمی امنیت بالا رود یعنی نظارت پلیس بیشتر شود و این برای مافیا مضر است لذا آنها به جای

۹۳۸ مباحثی در علوم جنایی

تجاوز و خشونت به داد و ستد و تبادل مجرمانه می‌پردازند بدون اینکه سوءظن و حساسیت مأموران را برانگیزند.

سوم: ارایه خدمات به مردم با هدف جلب حمایت مردم به خود

برقراری یک چتر حمایتی برای متقاضیان یک نوع ایجاد امنیت است قمارخانه، عشرتکده‌ها و رستورانهایی که به صورت مجاز احداث شده‌اند ولی محل مناسبی برای ارتکاب جرم‌اند، لذا مافیا ارایه خدمات امنیتی می‌کند و در این وادی است که مافیا نیروهای جدید را استخدام می‌کند. در سیسیل کلیه اعتراضات صنعتی و کارگری که به وجود می‌آید با مداخله عوامل مافیا حل و فصل می‌گردد.

چهارم: متنوع سازی منبع درآمدها

مافیا همواره در معرض فروپاشی و دستگیری است لذا برای کمتر کردن هزینه خود فعالیت‌هایش را گسترده می‌کند؛ مثلاً در مناقصه حضور می‌یابد، خرید و فروش اسلحه و مواد مخدر می‌کند و قتلی به نفع شخص دیگری انجام می‌دهد. پس مافیا برای مصونیت و حفظ خودش ناچار به برقراری ارتباط با بیرون است.

نتیجه‌گیری

اول: مفهوم مافیا

مافیا از شبکه‌های افقی فامیلی تشکیل می‌گردد و هر کدام در هر جایی که هستند بهم خدمات مشترک ارائه می‌دهند ولی وحدت متزلزل دارند. جامعه شناسان این را تشبیه می‌کنند با دولتهایی که همواره به صورت مسالمت آمیز در کنار هم هستند ولی همواره امکان مخاصمه بین آنها هست. اعضاء مافیا با گزینش خاصی انتخاب می‌شوند که باید دارای دو ویژگی باشند یکی توانایی ارتکاب قتل و دیگری حفظ اسرار و رعایت سکوت.

جرم‌شناسی ۹۳۹

بین یک تشکل پایدار و محیط پیرامون یک نوع عرف ارتباطی ضمنی هست که این قرارداد ضمنی نانوشته دارای چهار محور است:

اول. مهار جرایم خشونت بار و توسل به خدمات متقابل به صورتی که احساس ناامنی در منطقه ایجاد نکند زیرا به محض چنین احساسی تقاضای امنیت بالا می‌رود و این امر یعنی مداخله مقامات امنیتی.

دوم. فراهم کردن زمینه قطع روابط مردم با دستگاههای قضایی است به طوری که مافیا خود این خلأ را پر کند و یک نوع کدخدامنشی ارائه دهد.

سوم. ارائه خدمات میانجیگرانه و رایگان به منظور جلب حامی یعنی مدیون کردن افراد بخود مثلاً از طریق هدیه دادن

چهارم. حصول اطمینان از عدم تعقیب از طریق رشوه ایجاد ارعاب و نفوذ در مراجع عمومی که جنبه مدنی دارند مانند شهرداری‌ها، مجلس و پلیس شهرداری.

مافیا شبکه‌ای است از گروههای مستقل بزهکار، دارای تجربه و شهرت در خشونت، توانایی در استفاده از داد و ستد، توانایی در قطع ارتباط مردم با پلیس و ارائه خدمات بجای آنها.

دوم: چگونگی شکل‌گیری مافیا

مافیا در دولتهایی شکل می‌گیرد که ضعیف هستند یا کارکرد حکومت در آنجا ضعیف است. مطالعات جامعه‌شناسان نشان می‌دهد که مافیا ابتداء در غرب ایتالیا شکل می‌گیرد، زیرا حضور دولت در آن منطقه ضعیف بوده است و دامداران و زمین‌داران و مردم همواره در معرض اخاذی و خشونت و جرایم افراد عادی قرار داشتند. به همین جهت مبادرت به استخدام نیروهایی می‌کردند تا از آنها دفاع کنند. بدین ترتیب این نفوذالها با استخدام یک عده کارگزار که خود مجرم هستند دست به ایجاد سندیکای می‌زند که رسالتش حفظ منافع نفوذالها بوده است. لذا آنها بتدریج جای پلیس دولتی و مرکزی را می‌گیرند. در آن منطقه سرعت و اخاذی و نرخ قتل بالا بوده

۹۴۰ مباحثی در علوم جنایی

است و نیاز اجتماعی به امنیت ضروری است و ضعف نهادهای رسمی به گروههایی این اجازه را می‌دهد تا این خلأ را پر می‌کنند و سندیکای امنیت به وجود آورند، پس زمین داران به ایجاد تشکل‌های غیر قانونی پرداختند که از طریق ارتکاب جرم به سراغ جرم تجاری می‌رفتند ولی بتدریج این سندیکاها مدعی نفوذالها می‌شوند و به یک خرده فرهنگ مبدل می‌شوند و حضور آنها که به دلیل برقراری امنیت مقبول است بتدریج به خدمات میانجیگری هم تسری پیدا می‌کند مثلاً بین بدهکار و طلبکار با تقاضای آنها نقش قاضی را ایفا می‌کنند. بنابراین مافیا در آنجا نضج می‌یابد و یک خرده فرهنگ می‌شود و به سایر نقاط انتقال می‌یابد و بتدریج که قدرت مرکزی شعاع حکومت خود را توسعه می‌دهد موفق به از بین بردن مافیا نمی‌شود فلذا این سندیکاها خدماتی را ارائه می‌دهد که خیلی سریع صورت می‌گیرد و به رفع نیازهای ضروری مردم در ایتالیا مبدل می‌شود.

در ایتالیا همه دولت‌ها مافیا را تحمل می‌کنند تا دوران موسولینی ولی بعد از جنگ دوم مجدداً مافیا از حالت زیرزمینی خارج می‌گردد.

سوم: شاخص‌های حضور مافیا

۱. زمانی که یک شبکه مجرمانه و سازمان یافته با افراد غیرمجرم و محیط خود ارتباط برقرار کند؛
۲. استخدام گزینشی در آن محل با رعایت معیارهای خاص از قبیل رعایت سکوت، داشتن جسارت و توانایی توسل به خشونت را انجام دهد؛
۳. تسویه حسابهای شخصی نسبت به پلیس، مجرمین عادی و رقیب؛ را اعمال کند؛
۴. اخاذی و باج خواهی نماید تا امنیت برای فرد مقابل ایجاد کند؛
۵. منابع خود را از حیث درآمد متنوع کند؛
۶. فرهنگی را ایجاد کند که بموجب آن فرهنگ، آن تشکل اعتبار پیدا کند.

جرم‌شناسی ۹۴۱

۷. بین پلیس، دستگاه قضایی و مردم محل بتدریج یک نوع انقطاع ایجاد گردد مثلاً شهود شهادت ندهند و بنوعی مبارزه منفعل با پلیس بنمایند؛
۸. تحقیقات اولیه پلیس و روند دادرسی دچار اختلال شود و نرخ پرونده‌های مربوط به جرایم مخصوصاً قتل از حیث حکم و قرار به زیر ۵۰ درصد برسد یعنی فرآیند کیفری مختل گردد؛
۹. برگزاری محاکماتی که آغاز می‌شود با لفافه فقدان دلیل منجر به صدور حکم براءت می‌شوند؛ حال آنکه جرمی اتفاق افتاده و باید منجر به صدور حکم مجرمیت شود (افزایش رقم خاکستری)؛
۱۰. شیوع ارتشا و توسل به ارباب مأمورین که بنوعی باید به کشف جرایم بپردازند.

بررسی کنوانسیون سازمان ملل علیه جرم سازمان‌یافته و فراملی (معاهده پالمو)

برای اولین بار در کنگره پیشگیری از جرم در سال ۱۹۷۵ در کنار جرایم عادی به سازمان‌یافته شدن برخی از جرایم اشاره شد. سازمان ملل متحد از سال ۱۹۸۵ جرم را همچون پدیده جنگ از عوامل و عللی می‌داند که صلح را به مخاطره می‌اندازد. پس بزهکاری می‌تواند همان آثاری را داشته باشد که یک جنگ دارد لذا اسناد و اجلاس‌های متعددی را به موضوع رویاروی با بزهکاری اختصاص داده است.

سیاست جنایی سازمان ملل متحد^۱ به دنبال هماهنگ کردن سیاست‌های جنایی کشورها برای مبارزه با بزهکاری است به طوری که سازمانهای چند ملیتی از خلأ

۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه بنگرید به: علی حسین نجفی ابرنآبادی، سیاست جنایی سازمان

ملل متحد، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۸، تابستان ۷۵

تا زمستان ۷۶.

۹۴۲ مباحثی در علوم جنایی

قضایی یک کشور در مقایسه با کشور دیگر استفاده نکنند، زیرا بزهکاران مذکور قادر هستند قبل از ارتکاب جرم دست به مطالعه بزنند و کشوری را انتخاب کنند که از حیث پلیسی و قانونی ضعیف است.

یکی از نهادها یا ارکان سیاست‌گذار سازمان ملل متحد کنگره‌هایی است که هر ۵ سال یکبار در یکی از پایتخت‌های دنیا برگزار می‌گردد.

اولین کنگره در سوییس و آخرین آن در وین اتریش برگزار شد، پس سازمان ملل به سهم خود جهت‌گیری‌های اصلاح و پیشگیری را هدف خود قرار داد که در یک دوره بحث جرم سازمان یافته بیان شد و به دنبال آن در کنگره‌های بعدی همواره به کشورها هشدار داده شد که جرایم به صورت بین‌المللی و حتی چند ملیتی شده است.

در نهایت سازمان ملل متحد به دنبال حدود ۲۰ سال کار کارشناسی از سال ۱۹۹۴ میلادی هیأتی را مسؤول بررسی این عمل نموده است به طوری که مجمع عمومی کمیته‌ای را از کارشناسان تعیین کرد که این کمیته فعالیتش را جهت تدوین کنوانسیون در سال ۱۹۹۹ آغاز کرد. این کنوانسیون در سال ۲۰۰۰ قطعی شد که ۴۱ ماده و سه پروتکل متمم دارد.

این کمیته ۱۱ عضو داشت و رئیس آن از ایتالیا و گزارشگر آن از قاره آفریقا بود با حضور نمایندگان کشورهای علاقمند و به فعالیتش ادامه داده است.

در بین اجلاس نماینده ترکیه بحث تروریسم را بیان می‌کند و در جلسه دهم تروریسم بیش از پیش جنبه فرامرزی بخود می‌گیرد ولی از حیث جرم‌شناسی این جرم یک حربه مبارزه علیه حاکمیت است و در کشورهای استبدادی تروریسم تنها حربه مخالفان است. لذا وصف مذکور را کمیته نمی‌پذیرد زیرا برخی از کشورها حتی مبارزه سیاسی را جرم می‌داند حال در صورت جرم شناختن آن برای مبارزین مشکل ایجاد می‌شود.

جرم‌شناسی ۹۴۳

دلیل اول جرم شناسانه است ولی دلیل دوم سیاسی است زیرا تروریسم به عنوان یک جرم در کشورهایی است که کانالهای سیاسی باز باشند. یعنی در کشورهایی که آزادی احزاب هست اما در کشورهای مستبد از حیث مبارزه سیاسی تروریسم آخرین راه حل است لذا کمیته دلیل نماینده ترکیه را نمی پذیرد.

کنوانسیون در اجلاس ۵۴ در سال ۲۰۰۰ به تصویب رسید و در یکماه بعد در پالمو کنفرانس بین‌المللی بنا به دعوت ایتالیا تشکیل و کنوانسیون برای امضاء کشورها آماده شد. این کنوانسیون از حیث حقوقی خیلی مهم و دارای اهمیت است. کنوانسیون ۴۱ ماده دارد که یک سلسله مواد آن راجع به اصول حقوق جزای عمومی و برخی در مورد اصول حقوق جزای اختصاصی و تعدادی مواد در مورد استرداد است و پاره‌ای از اصول راجع به ویژگی‌های ادله و پذیرفتن ضمنی مشروط اصل مجرمیت است و پاره‌ای از مواد آن ماهیت جرم شناسانه دارد و از بزهکاران سازمان یافته موادی را بیان می‌کند. در این قسمت به توضیح و تفسیر برخی مواد مهم آن می‌پردازیم:

ماده ۱ به بیان هدف این کنوانسیون می‌پردازد. هدف ارتقاء همکاری و معاضدت به منظور جلوگیری و مبارزه علیه جرم سازمان یافته فراملی به صورت مؤثر می‌باشد. ماده ۲ به تعریف برخی واژه‌های استفاده شده در کنوانسیون پرداخته است.

(a). گروه سازمان یافته جنایی، گروه متشکل و ساختارمندی است که مرکب از سه نفر یا بیشتر می‌باشد این گروه سازمان یافته جنایی باید برای مدتی دارای حیات خارجی باشد. پس باید در زمان استمرار داشته باشد و اقدام مجرمانه باید با توافق قبلی و با هدف ارتکاب یکی از جرایم شدیدی که مطابق این کنوانسیون تعیین شده به منظور کسب مستقیم یا غیر مستقیم منافع مالی یا سایر منافع مادی، رخ بدهد.

۹۴۴ مباحثی در علوم جنایی

هدف جرم باید جنبه مالی یا مادی داشته باشد و از طرفی باید ساختارمند باشد. تبانی و اتفاق نظر و تداوم آنها در عنصر زمان ملاک است و این گروه برای ارتکاب جرم خطرناک و برای رسیدن به منافع مالی و مادی تشکیل شده باشد.

(b). جرم شدید رفتاری است که جرمی را به وجود می‌آورد که مستوجب کیفر سلب آزادی باشد و حداکثر آن نباید از ۴ سال حبس کمتر باشد. معیار، حقوق داخلی است. این کنوانسیون دولتهای عضو را دعوت به تدوین فصلی جدید برای جرم سازمان یافته می‌کند. کنوانسیون علاوه بر ۴ جرمی که بیان کرده، جرم شدید را هم آورده است. دلیل این که کنوانسیون صحبت از اعدام نکرده و از حبس بحث به میان آورده، این است که سازمان ملل متحد اعدام را لغو کرده و در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز اعدام نیامده است، حتی در دادگاههای بین‌المللی موقت نیز اعدام را نیاورده‌اند و شدیدترین کیفر را حبس ابد می‌دانند و از طرفی همه کشورها کیفر اعدام را ندارند. از طرفی در کنوانسیونها میزان مجازات را نمی‌آورند چرا که حق مجازات با جامعه است.

(c). گروه ساختارمند، گروهی است که به صورت تصادفی برای ارتکاب فوری یک جرم به وجود نیامده و نقش‌ها و وظایف در گروه مشخص شده و عضویت در گروه مستمر باشد.

(d). مال به معنای دارایی مشهود یا غیرمشهود، و منقول یا غیر منقول، مادی یا معنوی و اسنادی که دلالت بر مالکیت اموال داشته باشد (اسناد قانونی) است.

(e). حاصل ارتکاب جرم، عایدات هر جرم مالی است که مستقیماً یا به صورت غیر مستقیم از ارتکاب یک جرم بدست آمده باشد؛ مثلاً در سرقت فرش، فرش حاصل جرم است. حال اگر این فرش به دیگری فروخته شود و مال‌خر با علم به این امر آن را خریداری کند مرتکب جرم شده است.

جرم‌شناسی ۹۴۵

(f). توقف کردن یا توقیف یا ضبط، به معنای ممنوع کردن موقت امر انتقال یا جابجا کردن مال یا نگهداری موقت مالی است که براساس قرار یا یک حکم مقام صالح صادر شده است.

(g). مصادره، شامل سلب مالکیت دائمی از یک مال بموجب قرار از سوی مقام صالح است.

(h). جرم اولیه یا جرم اصلی، شامل هر جرمی است که به عنوان نتیجه آن عایداتی به وجود آمده که آن نتایج خود موضوع دیگری است که در ماده ۶ آمده است. (این ماده مربوط به تطهیر پول است).

در تطهیر کسی با علم به این که این مال از طریق قاچاق یا از طریق جرم دیگری بدست آمده در ازای انجام کار یا رایگان شخص دیگری از آن پول در امر دیگری سرمایه‌گذاری می‌کند.

جرم دوم اینجا تطهیر پول است زیرا با علم به اینکه این پول ریشه در قاچاق دارد از آن استفاده می‌کند. در ایران ضبط اموال ناشی از جرم تقریباً این خلأ را پر می‌کنند. همانطور که در ایران به همراه سرقت خرید و فروش اموال مسروقه جرم است در حقوق بین‌المللی، جرم جدیدی را بنام تطهیر پول به وجود آورده‌اند.

تطهیر به صورت خاص اولین بار در حقوق بین‌المللی آمد. تطهیر عام شامل تطهیر درآمدها و عایدات کلیه اعمال مجرمانه می‌گردد. در ماده ۳ کنوانسیون وین ۱۹۸۸ در مورد قاچاق مواد مخدر به دولتها توصیه شد تطهیر پول حاصل از قاچاق را جرم انگاری کنند که متعاقب آن قانونگذاران داخلی تطهیر پول را هم قبول کردند. (تطهیر خاص)

(i). محموله‌های تحت کنترل، فن یا تکنیکی است که به محموله‌های غیر مجاز اجازه خروج از سرزمین یا ورود به سرزمین یک یا چند کشور می‌دهد با علم به اینکه

۹۴۶ مباحثی در علوم جنایی

تحت کنترل مقامات صالح این دولتها است. هدف از این کار شناسایی اشخاص درگیر در ارتکاب جرم می‌باشد.

این امر استثنایی است بر اصل سرزمینی بودن؛ یعنی اگر جرمی در یک کشور رخ داد مقامات داخلی باید به آن رسیدگی کنند ولی در این بند از آنجا که هدف شناسایی کلیه اعضا از مبدأ تا مقصد است لذا دولتهایی که این تأسیس را پذیرفتند بنوعی از حاکمیت ملی خود صرفنظر کرده‌اند به این امید که جامعه بشریت که قربانی جرم است بتواند بهتر با آن بزه مبارزه کند لذا پذیرفتن این تأسیس به تنهایی کافی نیست بلکه مقامات و پلیس نیز باید نسبت به این تأسیس توجه شوند و این تأسیس نیاز به یک تحول عمده در رویکرد و روند کاری این امر دارد. در واقع این کنترل نوعی تجهیز کشورهای ذیربط برای کشف جرم است.

(j). سازمان اقتصادی یکپارچه، سازمانی است که بوسیله دولتهای حاکم در یک منطقه معین تشکیل شده‌اند و این دولتها صلاحیتهایی را در مورد کنوانسیون به این سازمان اقتصادی منطقه‌ای تفویض کرده‌اند که این اختیارات قبول تکالیفی است در چارچوب سازمان برای کشورها و بنابراین سازمان اقتصادی منطقه‌ای در پاره‌ای موارد در قالب حقوق جزا کنوانسیون و عهدنامه‌های را تصویب می‌کند تا سازمانها را متعهد کند؛ مانند اکو.

در کشورهای اروپایی سخن از دادسرای اروپایی است زیرا مجرم که ویزا اخذ نمی‌کند پس قاضی نیز لازم نیست ویزا اخذ کند.

سازمان اکو به دنبال همین امر اجلاسی را در تهران در سال ۱۳۸۰ تأسیس کرد تا در این زمینه قضیه را بررسی کنند.

(e) ماده ۳ قلمرو اعمال کنوانسیون را نشان می‌دهد و در بند ۱ می‌گوید:

«این کنوانسیون به منظور پیشگیری، تحقیقات و سرکوبی جرایم زیر اعمال

می‌گردد:

جرم‌شناسی ۹۴۷

(a) جرایم موضوع مواد ۲۳ و ۸ و ۶ و ۵، جرم مشارکت در گروه مجرمانه سازمان یافته، جرم تطهیر، جرم ارتشا و بالاخره جرم‌هایی که مانع اجرای عدالت کیفری می‌گردد.

(b) جرایمی که براساس بند b ماده ۲ به عنوان جرم شدید و جرایمی هستند که حداکثر حبس آنها نباید از ۴ سال کمتر باشد می‌توانند به انتخاب مقنن داخلی به عنوان جرم شدید تلقی گردند.

ماده ۶ راجع به تطهیر پول است. جرم تطهیر بر دو نوع است: خاص و عام. تطهیر خاص ابتداء در چارچوب ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۹۸ در مورد قاچاق مواد مخدر آمده بود و هدف آن تطهیر سرمایه‌های ناشی از مواد مخدر یا جرایم مرتبط با مواد مخدر بود: به این ترتیب جرم اصلی تطهیر ناشی از درآمدهای مواد مخدر قاچاق مواد مخدر است.

تطهیر عام شستشوی کلیه اموالی است که از ارتکاب جرم بدست می‌آید و این جرم می‌تواند اختلاس، ارتشا و غیره باشد و صرفاً جرم قاچاق را در بر نمی‌گیرد.

۱. هر دولت عضو مطابق اصول اساسی حقوق داخلی‌اش اقدامات تقنینی به منظور ایجاد جرایم کیفری به هنگامی که عامداً این جرایم ارتکاب می‌یابند را اتخاذ نماید.

(a) (i) تبدیل یا انتقال مال با علم به اینکه چنین مالی از عایدات جرم است با این نیت که ریشه نامشروع آن تغییر داده شود یا مخفی شود یا کمک به هر شخصی که در ارتکاب جرم اصلی درگیر است به منظور فرار از آثار عمل خودش یا عمل مرتکب اصلی یا اینکه به کس دیگری که مجرم اصلی است کمک کند تا از آثار قانونی کیفری جرم قاچاق فرار کند.

(i) پنهان کردن یا تغییر شکل ماهیت واقعی نیز جابجا کردن با تملک حقوق مربوط به مال با علم به اینکه چنین مالی حاصل از جرم است.

۹۴۸ مباحثی در علوم جنایی

(ii) مشارکت یا معاونت یا شروع بجرم یا تسهیل و نیز کمک دادن و مشورت دادن به کسی که در مقام ارتکاب اعمال بندهای قبلی است.

۲. تکمیل یا اجرای پاراگراف یک این ماده:

(a) این است که در جرایم سازمان یافته مقنن باید جرم‌انگاری موسع کند و برای حل معضل تطهیر قانونگذار می‌تواند جرایم زیادی را جرم‌انگاری کند.

ماده ۷ اقدامات یا وسایل مبارزه با تطهیر است. در کنار پیشگیری یک سلسله اقدامات دیگر را آورده است که به نوعی شناسایی عملیات و بنوعی بازدارندگی در مقابل تطهیر است.

۱. هر دولت عضو:

(a) باید مجموعه‌ای کامل از مقررات را برای مؤسسات بانکی و غیر بانکی و سایر مؤسسات بانکی که احتمال دارد عملیات تطهیر را انجام دهند به منظور شناسایی و بازدارندگی کلیه اشکال تطهیر^۱ تدوین کند.

پس مجرمانه بودن حسابهای بانکی آنگاه که ظن ارتکاب تطهیر برود از بین می‌رود و مؤسسات مذکور باید در کنار خود ارگانی داشته باشند تا این عملیات شناسایی گردد و آن را به دادستان برای تعقیب اعلام کنند.

در فرانسه برای اینکار تأسیسی است که در معیت شعبات اصلی بانکها قرار دارد به نام تراکفن (Tracfin) که نهادی اداری و نماینده وزارت دارایی است و وظیفه‌اش بررسی حسابها حواله‌ها و واریزها است که چنانچه ورود و خروج مشکوک باشد به وزارت دارایی باید اطلاع داده شود و در صورت احراز تصمیم‌گیری می‌شود.

حضور آنها برای مشتریان عنصری بازدارنده است و از تبانی کارمندان جلوگیری می‌کند. پس از یک سوم تطهیر کشف می‌گردد و از طرف دیگر پیشگیری می‌گردد.

۱. با تصویب لایحه پول شویی توسط هیئت دولت، ایران نیز در صدد است در این زمینه گامهای مؤثری بردارد.

(b) دولتهای عضو بایستی اطمینان حاصل کنند مقامهای اجرایی اداری و اجرای قانون و سایر مقامهایی که وظیفه‌شان مبارزه با تطهیر است توانایی لازم را برای همکاری دارند و تبادل اطلاعات در سطح ملی و بین‌المللی در این چارچوب به این دو امر اختصاص داده شود. به این منظور تأسیس یک نهاد اطلاعاتی مالی به منظور یا به عنوان مرکز ملی در خصوص جمع‌آوری و تحلیل و توزیع اطلاعات مربوط به موارد بالقوه تطهیر پول ضروری می‌باشد.

در برخی از دولتها مثل آمریکا هرگاه حواله‌های بانکی از مبلغی بالاتر روند، بانک موظف است منشأ این حواله را بررسی کند یا در مسافرتها اگر بخواهند از یک حد معینی بیشتر پول ببرند باید با اجازه بانک باشد.

پس این اعمال‌ها موجب پیشگیری نیز می‌گردد. در جرم تطهیر اماره مجرمیت را قبول کرده‌اند. این جرم بدون مجنی علیه است و بزه دیده دولت است شاکی حقیقی وجود ندارد و چنانچه مبلغی از یک میزان بالا باشد فرد باید ثابت کند منشأ آن کجا است.

هرگاه سطح زندگی فردی با درآمدش هماهنگ نباشد و آن فرد با محیط‌هایی که نوعی با مواد مخدر در ارتباط هستند در ارتباط باشد فرض این است که یا او قاچاق مواد مخدر می‌کند یا اینکه تطهیر می‌کند. لذا او باید ثابت کند که منشأ پول مشروع است.^۱ (پذیرش اصل مجرمیت).

همینطور اگر فردی با محیط‌های روسپیگری در ارتباط است فرض بر این است که آن فرد قواد است یا اینکه تطهیر پول انجام می‌دهد.

بدیهی است که باز اصل بر براءت است. لذا اماره مجرمیت با احتیاطهای زیادی پذیرفته شده است. بنابراین با قبول این اماره سایر حقوق دفاعی متهم از بین نمی‌رود

و باقی است. به همین جهت دیوان جنایی حقوق بشر بموجب یک رویه قضایی پذیرفته است که قانونگذاران عضو در مواردی بسیار استثنایی اماره مجرمیت را قبول کنند و در قانون بیاورند. در برخی از کشورها بدلیل ضعفی که وجود دارد مقنن حقوق دستگاه قضایی را بالا می‌برد و حقوق متهم را پایین می‌آورد. ولی در کشورهایی مانند آمریکا یا فرانسه که مقامات مسؤول در رابطه با جرایم سازمان یافته متبهر هستند باز هم در آنجا اماره مجرمیت را در جرایم سازمان یافته پذیرفتند.

ماده ۲۳ کنوانسیون جرم سازمان یافته فراملی مربوط به جرم انگاری ایجاد مانع در سر راه عدالت کیفری یا قضایی می‌باشد.

(a) مربوط به استفاده از نیروی فیزیکی، تهدید و تحریک، قول و وعده دادن، هدیه دادن، پیشنهاد یا یک مزیت غیر مجاز، دادن امتیاز غیر مجاز به منظور اقامه شهادت دروغ یا مداخله در اقامه شهادت یا مداخله در ارایه دلیل در جریان دادرسی مرتبط با ارتکاب جرایمی که مشمول این کنوانسیون هستند می‌باشد.

دلیل این است که آنها سعی دارند از این طریق جرم ارتكابی را به صورت غیر مکشوف باقی گذارند. لذا این عمل را جرم شناختند تا به نوعی پیشگیری صورت گیرد. پس حمایت از شهود ناشی از خطراتی است که هر لحظه آنها را تهدید می‌کند. (در جرایم علیه بشریت حمایت از شهود اعمال می‌گردد)

(b) اشاره دارد به بهره‌گیری از زور تهدید و ارعاب به منظور جلوگیری از انجام وظایف قانونی مأمورین اجرای قانون. لذا اگر نسبت به مأموران اجرای قانون عملی رخ دهد جرم است. چرا این تهدیدات نسبت به شهود یا مأموران در کنوانسیون ذکر شده است؟ هدف جرم‌انگاری این عمل بار آموزشی دارد لذا جرم‌انگاری جنبه تعلیماتی دارد.

۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه بنگرید به: حمیرا قنبری، فرض براءت و اماره مجرمیت، پایان نامه

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.

جرم‌شناسی ۹۵۱

از حیث حقوقی با توجه به اینکه از نظر این کنوانسیون جرایم شدید هم می‌تواند مطرح شوند معیار مجازات را براساس این کنوانسیون باید تعیین کنند پس از حیث فلسفی آموزشی است و از لحاظ حقوقی میزان کیفر ملاک است.

ماده ۲۵ به بزه دیده و حمایت از او می‌پردازد.

علت این که کنوانسیون به این امر پرداخته این است که

۱. کنوانسیون از دستاوردهای بزه دیده‌شناسی حمایتی پیروی کرده است.
۲. بزه دیدگان این جرایم خسارت زیادی را متحمل می‌شوند و در اثبات ادعای خودشان به لحاظ سازمان یافتگی جرایم ممکن است با معضل مواجه باشند. پس لازم است که از آنها حمایت گردد زیرا وقتی دادرسی کیفری ناظر به جرایم سازمان یافته اختیارات جدیدی را برای دادستان در نظر گرفته است لذا آنها به حمایت از بزه دیده پرداخته‌اند.

۱. هر دولت عضو اقدامات مناسب را برای حمایت از بزه دیده باید به عمل آورد.
۲. هر دولت عضو روشهای مناسبی را ایجاد خواهد کرد به منظور این که بزه دیدگان به اعاده مال ناشی از این جرم دست پیدا کنند. حتی در بند ۱ نیز در هنگام تهدید و ارباب بزه دیده از آنها حمایت گردیده است.

۳. هر دولت عضو در چارچوب حقوق داخلی اش بزه دیدگان را قادر خواهد کرد تا خواسته‌ها و دل نگرانیهای خود را مطرح کنند و این امکان طرح دل نگرانی‌ها در مراحل مناسب مقتضی دادرسی کیفری فراهم شود و مورد توجه نیز قرار گیرد.
- زیرا این جرایم خطرناک هستند پس بزه دیدگان نیز بویژه هنگامی که اشخاص حقیقی هستند باید مورد حمایت قرار گیرند. حمایت مادی، معاضدت قضایی و حمایت روانی مدنظر است.

در ماده ۱۰ جمع مسئولیت کیفری مدیر کارمند و اعضاء دیگر مطرح شده است. وجود عنصر معنوی و مادی در مورد اشخاص حقوقی لاینحل است و در این مورد

۹۵۲ مباحثی در علوم جنایی

فرض را بر این گذاشته‌اند که قابل تصور است. امروزه در کشورهای صنعتی به تعداد جمعیت یک کشور اشخاص حقوقی وجود دارد که رسمی و ثبت شده هستند و واقعیت حقوقی دارند. این مؤسسات در بسیاری از موارد اثرگذار هستند لذا برای اینها مسئولیت کیفری فرض گردیده است. در ماده ۱۰ جمع مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و حقیقی مطرح گردیده است.

ماده ۳۱ ناظر به پیشگیری است.

نویسندگان پالرمو پیشگیری را در اولویت قرار داده بودند و ماده ۳۱ را به این امر اختصاص دادند و در این ماده اولاً به تأسیس واحدها یا سرویس‌های کشف جرم سازمان یافته و واحدهایی که می‌توانند قبل از ارتکاب جرم نشانه‌ها را شناسایی کنند و آن عمل را عقیم کنند اشاره شده است. در خصوص مزایده و مناقصه مقررات احتیاطی توصیه شده است و در این ماده ۳۱ به بازپذیری و اصلاح مجرمین سازمان یافته اشاره شده است. یکی از این موارد پیشگیری آگاهی و اطلاع رسانی به مردم و شرکت آنها در پیشگیری و بالاخره شناسایی مؤسسات واحدها و گروههایی است که بنوعی در گروه جرم سازمان یافته نقش دارند و شناسایی افرادی که نسبت به سایرین در مقابل این دسته از مجرمین آسیب‌پذیرترند است.

سطوح سه‌گانه پیشگیری از جرم اینجا لحاظ شده است و به صورت اولیه در مقام سالم سازی جامعه است، اتخاذ تدابیری که زمینه وقوع جرم و زمینه بیماری را نامساعد کند، آگاهی مردم، جلوگیری از توزیع ناعادلانه ثروت، سپس تأثیر سینما و اقدامات فرهنگی اگر چه برای ارضای نیازهای فرهنگی است ولی از حیث جرم‌شناسی از اقدامات راجع به پیشگیری است.

پیشگیری ثانویه به منظور توقف فرآیند ارتکاب جرم اتخاذ می‌گردد. اقداماتی که به منظور جلوگیری از انفجار بحران و جرم اتخاذ می‌گردد؛ بعبارت دیگر در این

جرم‌شناسی ۹۵۳

روش با حالت خطرناک مبارزه می‌گردد و نیز با وضعیتهای بحرانی مشرف بر آستانه بزهکاری مبارزه می‌کنیم مانند پیشگیری وضعی.

پیشگیری ثالث: بحران منفجر شده است، یعنی جرم ارتکاب یافته است لذا با مجرم سروکار داریم و با مکانیزم اصلاح مجرمین برای مبارزه با تکرار جرم و جرم‌شناسی بالینی سروکار داریم.

۱. دولتهای عضو سعی خواهند کرد که طرحهای ملی را توسعه دهند و بهترین سیاستها و رویه‌های عملی را برای پیشگیری از جرم سازمان یافته فراملی اتخاذ نمایند و طرق مختلف را به دولتها تکلیف می‌کند.

۲. دولتهای عضو تلاش خواهند کرد که مطابق با حقوق اساسی داخلی خود فرصت‌های موجود و آینده را که زمینه‌ای است برای گروههای سازمان یافته جنایی برای شرکت در بازارهای قانونی و مجاز و عواید ناشی از جرم را کاهش دهند. پس دولتهای عضو باید سعی کنند فرصتهای مجرمانه را برای این گروهها؛ مثلاً شرکت در بازارهای مشروع را تقلیل دهند و این کاهش از طریق اقدامات مقتضی در چارچوب قانون صورت می‌گیرد.

(a) تشویق همکاری بین سرویس‌های کشف و مجازات جرم و دادستان با بخش خصوصی.

(b) این اقدامات باید روی ارتقای معیارها و روشهایی که هدفشان حفظ تمامیت اخلاقی واحدهای دولتی و خصوصی است تأکید کند. این اقدامات باید بویژه شامل حقوقدانان، حسابداران و مشاوران مالیاتی شود.

(c) شفاف سازی مناقصه‌ها: پیشگیری از سوء استفاده گروههای سازمان یافته جنایی از تشکیل مناقصه و نیز پیشگیری از سوء استفاده از این گروهها از مجوزهایی که دولت برای فعالیتهای تجاری صادر می‌کند؛ یعنی تسهیلاتی که دولت برای

۹۵۴ مباحثی در علوم جنایی

فعالتهای تجاری قرار می‌دهد مورد سوء استفاده قرار نگیرد؛ مثلاً هویت اشخاص شرکت کننده مشخص باشد.

(i) , (d) پیشگیری از سوء استفاده گروههای سازمان یافته مجرمانه از اشخاص حقوقی از طریق ایجاد یک دفتر ثبت عمومی برای ثبت اشخاص حقیقی یا حقوقی که در ایجاد و اداره و مدیریت و تأمین مالی نقش دارند؛ یعنی شفاف سازی اشخاص حقوقی در تأسیس و اداره.

(ii) ایجاد این امکان از طریق دادگاه برای سلب صلاحیت قانونی از اشخاصی است که در ارتباط با یکی از جرایم مندرج در کنوانسیون محکوم شده‌اند. محروم کردن محکومین چنین جرایمی در هیأت مدیره.

(iii) تنظیم دفاتر ثبت ملی که در آنها نام اشخاصی که از عضویت در هیأت مدیره اشخاص حقوقی محروم شده‌اند ثبت و ضبط گردد. پس هدف این است که مجرمین حرفه‌ای با این دفاتر و سجل تجاری از حضور در مؤسسه دیگری محروم شوند. اینها اقدامات مربوط به پیشگیری در سطح اول است.

در ایران سازمان بهزیستی مطابق همین انواع سه‌گانه پیشگیری با جرایم مبارزه می‌کند.

(iv) تبادل اطلاعات موجود در دفاتر ثبت شرکتها: در دفاتر ثبت سابقه کیفری اشخاص حقوقی باید عنداللزوم بین کشورهای عضو تبادل صورت گیرد.

۳. دولتهای عضو تلاش خواهند کرد بازگشت اجتماعی محکومین را ارتقا دهند؛ یعنی زمینه‌های بازپذیری محکومین را فراهم کنند. مثلاً برای مدیری که محکوم شده است دوره‌های بازپذیری به وجود آورند.

۴. دولتهای عضو باید ترتیبی اتخاذ کنند که کارآمدی رویه‌ها و معیارهای اداری و قوانین را ارزیابی گردد تا بدین ترتیب آسیب‌پذیری آنها و نیز سوء استفاده از آنها بوسیله گروههای مجرمانه سازمان یافته شناخته شود.

جرم‌شناسی ۹۵۵

۵. آگاه کردن مردم در خصوص وجود علل و شدت و تهدید جرم سازمان یافته در سطح جامعه اشاره دارد. این آگاهی بخشی باید از طریق مطبوعات و شرکت دادن فیزیکی مردم باشد.

توجه به درآمد مجرمین از ارتکاب جرم خساراتی که متوجه بزه دیدگان می‌گردد، سرمایه‌گذاری‌هایی که مردم برای جلوگیری از جرم انجام می‌دهند، سرمایه‌گذاری که دولت انجام می‌دهد و سرمایه‌گذاری‌هایی که بیمه برای ارتکاب جرم و جلوگیری از آن انجام می‌دهند.

۶. این بند مربوط به نقش مدیریتی و نظارتی سازمان ملل متحد در همکاری با دول عضو متقاضی در جهت توسعه اقدامات پیشگیری از جرم سازمان یافته فراملی می‌باشد.

دبیر کل سازمان ملل وظیفه دارد مشاوره و خدمات جرم‌شناسی در جهت جلوگیری از ارتکاب این جرایم ادامه دهد.

۷. اختصاص دارد به سطح دوم پیشگیری: دولتهای عضو بطور مقتضی با یکدیگر و نیز با سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای ذی‌صلاح به منظور توسعه اقدامات ذکر شده همکاری خواهند کرد.

از جمله شرکت در طرح‌ها و پروژه‌های بین‌المللی به هدف جلوگیری از جرم سازمان یافته است (پیشگیری‌های سطح اول و دوم بعد غیرکیفری دارد. اما در ثالث نظام کیفری دخالت می‌کند و درصدد پیشگیری از تکرار جرم است).

الف: منابع فارسی

۱. بوسار، آندره، بزهکاری بین‌المللی، ترجمه نگار رخشانی، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۵؛

۲. میر محمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین‌الملل، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۷؛

۹۵۶ مباحثی در علوم جنایی

۳. بسیونی، شریف و ادواردوتر، درآمدی بر درک جرم سازمان یافته، ترجمه محمدابراهیم شمس ناتری، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۴، بهار ۱۳۸۰؛

۴. ژان دوگارد، چالش جرم سازمان یافته، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۷۹؛

۵. آدام. س. بولوکوس و گراهام فارل، جرم سازمان یافته و قاچاق مواد مخدر: تلاشهای سازمان ملل متحد، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، مندرج در مجموعه مقالات شش جلدی همایش بین‌المللی علمی کاربردی (جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر)، جلد سوم (مجموعه مقالات برگزیده) ناشر روزنامه رسمی کشور، چاپ اول، ۱۳۷۹؛

۶. پی، ولیامیز، سی، فلورز، سازمان مجرمانه و اصلی و قاچاق مواد مخدر، ترجمه منصور رحمدل، همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد سوم، ۱۳۷۸؛

۷. ژاک بوریکان، بزهکاری سازمان یافته در حقوق کیفری فرانسه، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۲ و ۲۱، زمستان ۱۳۷۶ تا تابستان ۱۳۷۷؛

۸. رضا پرویزی معاهده پالمو علیه جرایم سازمان یافته فراملی، مجله امنیت، شماره ۱۷ و ۱۸ سال چهارم، آذر و دی ۱۳۷۹؛

۹. محمد ابراهیم شمس ناتری، سیاست کیفری ایران در قبال جرایم سازمان یافته با رویکرد به حقوق جزای بین‌الملل، رساله دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰؛

۱۱. علیرضا شمس اژه‌ای، جرم سازمان یافته و بررسی مصادیق آن در حقوق موضوعه ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹؛

23. Bleeker, karin , The initiatives of European union against organized crime , International Review of penal Law , vol 20, No 3-4, 1999.

24. Problems and Dangers posed by organized Transnational Crime in the Vasioous regions of the world , Transntional organized Crime , No 31 vo 1, summer 1995.

25. Georges Picca , TRANSNATIONAL ORGANIZED CRIME, International Annals of Criminology , Vol 39-1/2 , 2000

۱۲. سلیمی، صادق، جنایات سازمان یافته فراملی، تهران صدا، بهار ۱۳۸۲.

ب: منابع انگلیسی^۱

12. Abadinsk, Howard , organised crime , 6th ed , Belmont, Wadsworth 2000.

13. Albense , Jay , organized crime in America , 2nd ed , ohio, CinCinati, 1989.

14. Albini, Joseph , The American Mafiai Genesis of a Legend, New yourk , 1971.

15. Dito, E, organized Crim-Cross culture Studies , Totowa , New Jerseg, 1986.

16. Kellg, Robert. J, Encyclopeedia of organized Crime in the united states , westport , Greeprees, 2000.

17. kennes, Dennis. G.and o.Fincknaver, Organized Crime in America , U.S.A , word worth , 1995.

18. Lyman , Micheal D.and Gargw.Potter organized Crime, 2nd ed , New jerseg , Prentice- Hall Inc, 1994.

19. Rhodes, Robert P.organized Crime; Crime Control Vs. Civil Liberties , New yourk , 1984.

20. Hindesmith , Alfred R.organized Crime , The Annals of the American Academy of Politied a social Science , No 211 , September, 1991.

21. Ruggiero, Vincen zu , organized and corporate crime in Europe, Great Britain , Darmouth P.CL, 1996.

22. Torr, James D., organized Crime , Sandiago U.S.A , Green harne press Inc , 1999.

۱. برای اطلاعات بیشتر در زمینه این منابع ر.ک. رساله دکتری محمد ابراهیم شمس ناتری، دانشگاه